



عصر

روزنامه اجتماعی اقتصادی
دوشنبه
۱۴۴۳ هجری قمری • ۲۲ July 2024
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره سیصد و هشتاد و هشت
www.asrghanoon.ir

قوای یک صدا

رهبر انقلاب در دیدار نمایندگان مجلس:
باید از دولت و مجلس یک حرف و صدا
شنیده شود

رهبر معظم انقلاب اسلامی، صبح دپروز در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس با تبیین ۸ نکته مهم: «ضرورت پاسخگویی مجلس»، «تعامل سازنده مجلس و دولت جدید»، «شنیده شدن صدای واحد از ارکان کشور در مسائل مهم»، «حاکمیت اخلاق در مباحثات مجلس و دیگر فعالیت‌های نمایندگان»، «باید هاونبایداهای قانون گذاری»، «نظارت بدون افراط و تفریط»، «فعالیت مؤثر هیأت نظارت بر عملکرد نمایندگان» و «حضور جدی مجلس در مسائل جهانی و سیاست خارجی»، ابراز امیدواری کردند با احساس مسئولیت مشترک رئیس جمهور منتخب و مجلس، کابینه‌ای متشکل از افراد مؤمن، کارآمد، انقلابی، امیدوار به آینده، مشهور به پاکدستی و صداقت، دارای نگرش ملی و بر خوردار از اعتقاد عمیق به جمهوری اسلامی تشکیل شود و مسائل کشور و مردم را به پیش ببرد.



یافا؛ پیام آور امید و روحیه برای جبهه مقاومت



تنها کارت برنده رژیم صهیونیستی در مقابل موشک‌ها و پهپادهای جبهه مقاومت، گنبد آهنین و عملیات مشترک آمریکا و دیگر کشورهای غربی است.

۲

چگونگی محب اهل بیت بودن



در یکی از این روایات آمده است که اگر محب اهل بیت و شیعه هستید باید قلبتان (که بالاترین ساحت روح انسانی است) از خیانت، نیرنگ، مکر سالم باشد و شیعه خالص باشید.

۳

از یمنی‌ها شکست خوردیم



اقتصاد ایالات متحده دیگر آن غول سابق نیست. بدهی عمومی این کشور بسیار زیاد و سیاست گذاری در واشنگتن نامنظم و غیر قابل پیش بینی است.

۴

نیازمند اصلاح رویه‌های داخلی هستیم



استفاده از ظرفیت‌های به وجود آمده در گروهی مانند بریکس یا سازمان شانگهای، الزاماتی دارد که مهمترین آن پیگیری مستمر و اصلاح قوانین و ساختارهای داخلی است.

۵

رکورد نرخ بیکاری در ۲۰ سال گذشته شکست



کاهش شدن روند رشد پایه بولی، کاهش نرخ بیکاری به زیر ۸ درصد به عنوان کمترین رقم در ۲۰ سال گذشته، کاهش قابل توجه شکاف اقتصادی طبقاتی و...

۵

به اندازه سقف قراردادها فوتبال رشد نکرده



یکی دو باشگاه درخواست بالا بردن سقف قراردادها را داشتند. اگر قرار بود این اتفاق بیفتد باشگاه پرسپولیس بیشترین آسیب را می‌دید.

۸

توصیه موکد رهبر انقلاب به تعامل سازنده مجلس با دولت جدید تعیین کابینه جدید با ۱۲ معیار



نکته هشتم و پایانی رهبر انقلاب در خصوص کار فوری و پیش روی مجلس یعنی رأی اعتماد به کابینه آقای پزشکیان بود. ایشان تعیین هر چه زودتر کابینه بعد از انجام امور لازم را مفید و ضروری خواندند و گفتند: در این زمینه هم نمایندگان مجلس و هم رئیس‌جمهور منتخب و محترم، مسئولیت‌های سنگینی دارند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص ویژگی‌ها و معیارهای ضروری برای افرادی که وزیر و میدان‌دار اقتصاد، فرهنگ، سازندگی و تولید خواهند شد، گفتند: کسی را باید میدان‌دار کرد که امین، صادق، متدین و از بن دندان معتقد به جمهوری اسلامی باشد.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: ایمان یک شاخص مهم است، امید به آینده و نگاه مثبت به افق شاخص مهم دیگر است و به کسانی که نگاهشان به افق تاریک است و معتقدند نمی‌شود کاری کرد، نمی‌توان مسئولیت‌های مهم و کلیدی داد. ایشان، شرعاً، اشتهار به صداقت و پاکدستی، نداشتن سابقه سوء، برخورداری از نگرش ملی و غرق نشدن در مسائل سیاسی و جناحی، و کارآمدی را از معیارهای ضروری دیگر برای اعضای کابینه دولت چهاردهم خواندند و گفتند: هم رئیس‌جمهور منتخب و هم مجلس باید این معیارها را رعایت کنند چرا که یک مسئولیت مشترک در انتخاب مسئولان کشور دارند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ابراز امیدواری کردند که با رعایت این معیارها و ایفای مسئولیت مشترک رئیس‌جمهور و مجلس، یک هیئت وزیران خوب، کارآمد، متدین و انقلابی انتخاب شود که بتواند مسائل کشور را پیش ببرد.

ایشان در بخش پایانی سخنان‌شان مساله غزه را همچنان مساله اول دنیای اسلام دانستند و افزودند: با گذشت ماه‌ها از آغاز جنایت رژیم غاصب خبیث، شور اولیه در محکومیت و مقابله با این جنایات در برخی افراد کم شده اما اهمیت مساله غزه حتی بیشتر از روزهای اول است.

رهبر معظم انقلاب با اشاره به قدرت روز افزون مقاومت افزودند: یک دستگاه بزرگ سیاسی، اقتصادی، نظامی به اسم آمریکا همراه رژیم غاصب صهیونیست با یک گروه کوچک به نام مقاومت می‌جنگند و از آنجایی که این دو خبیث موفق نشده‌اند حماس و مقاومت را از پای در بیاورند بمب‌های خود را در بیمارستان‌ها، مدارس و بر سر کودکان و زنان و مردم مظلوم می‌ریزند.

ایشان با اشاره به اینکه امروز مردم دنیا شاهد نهایت جنایت و سببیت رژیم غاصب هستند و درباره آن قضاوت می‌کنند خطاب به نمایندگان مجلس افزودند: درباره غزه آرام نگیرید و ساکت نباشید. امروز مصداق مهم فعالیت مجلس در مسائل خارجی و دیپلماسی، مساله غزه است.

پیش از بیانات رهبر انقلاب، رئیس مجلس شورای اسلامی، تکمیل اقدام مجلس قبلی در ریل‌گذاری و نظارت بر حسن اجرای قوانین اقتصادی و راهبردی را از مهمترین دستور کارهای مجلس دوازدهم برشمرد و با بیان اینکه مجلس جدید خود را یار دولت منتخب در پیگیری حل مشکلات مردم می‌داند، گفت: نقطه اتکا و محور مشترک مجلس دوازدهم و دولت چهاردهم، تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی نظام بویژه قانون برنامه‌ی هفتم توسعه است.

آقای قالیباف توجه به مسائل ابقاش آسیب‌پذیر و کم‌برخوردار و همچنین مطالبات قشر متوسط جامعه را از دیگر اولویت‌های مجلس جدید خواند و افزود: نمایندگان با پرهیز از افتادن در دام حواشی و دوگانه‌های جعلی، تلاش خود را بر پیگیری مطالبات «مردم، نخبگان و دلسوزان انقلاب اسلامی» متمرکز خواهند کرد.

پرهیز از جناح‌گرایی و کمک همدلانه به دولت جدید، توجه به مطالبات همه رأی‌دهندگان، تقویت ارتباط ساختاری نمایندگان با حوزه‌های انتخابیه و استفاده از شیوه‌های جدید نظارتی برای برطرف کردن ضعف‌ها دیگر نکات سخنان رئیس مجلس شورای اسلامی در دیدار نمایندگان مردم با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بود.

منطبق بودن قوانین با اسناد بالادستی و خودداری از ایجاد تراکم قوانین دو نکته دیگری بود که رهبر انقلاب در باب قانون‌گذاری بیان کردند.

رهبر انقلاب همچنین افراط در ارائه طرح برای قانونگذاری را مشکل‌ساز خواندند و گفتند: قانون اساسی دست مجلس را برای ارائه طرح باز گذاشته اما در این کار طرح باید به حد قناعت اکتفا شود تا باعث تراکم قانون و قرار گرفتن طرح‌های زیاد در صف رسیدگی نگردد.

ایشان در تذکری در خصوص موارد اضطراری نیازمند قانون گفتند: گاهی دولتها برای یک کار فوری در زمینه ارتباطات بین‌المللی یا مسائل اقتصادی و سازندگی احتیاج به قانون دارند که در این اینگونه موارد غالباً راه آسان را در پیش می‌گیرند و به دنبال کسب مجوز از رهبری هستند که البته جز در موارد اضطراری مجوز داده نمی‌شود اما بهتر است در موارد اضطراری نیز مجلس در قانونگذاری تسریع کند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به ابلاغ سیاست‌های کلی قانونگذاری در سالهای قبل، اجرای آن را نیازمند وضع قانون خواندند و افزودند: مجلس هنوز در این زمینه قانونگذاری نکرده و این کار باید زودتر انجام شود.

نکته بعدی سخنان رهبر انقلاب، درباره نظارت مجلس بر قوه مجریه با استفاده از ابزارهایی همچون سؤال، تذکر و تحقیق و تفحص بود.

ایشان در این زمینه دو تذکر خطاب به نمایندگان بیان کردند: اول، هدف از نظارت ارتقاء کارآمدی دولت است؛ بنابراین مطلقاً نباید مسائل سیاسی، شخصی و جناحی باعث استفاده از ابزارهای نظارتی شود، دوم: پرهیز از افراط و تفریط و رعایت انصاف در نظارت.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در توصیه ششم به نمایندگان مجلس دوازدهم گفتند: گاهی با رفتار غلط یک نماینده، همه ۲۹۰ نماینده زیر سؤال می‌روند و کل مجلس از چشم مردم می‌افتد که فلسفه تشکیل هیئت نظارت بر عملکرد نمایندگان پیشگیری این موارد و در صورت رخداد، علاج آنهاست اما آن انتظاری که از این هیئت بود، محقق نشده است.

ایشان در توصیه هفتم، با اشاره به ظرفیت مهم مجلس در زمینه مسائل بین‌المللی و سیاست خارجی، گفتند: مجلس وزنه‌ای سنگین است که دولت‌های دنیا در تعاملات خود از آن استفاده می‌کنند. مثلاً در میز مذاکره، مخالفت مجلس و یا قوانین مصوب را پوشش دفاع و یا توجیه موضع خود قرار می‌دهند.

رهبر انقلاب با اشاره به اینکه مجلس می‌تواند در مسائل خارجی دست دولت را پر کند، افزودند: از جمله اقدامات خوب و اثرگذار مجلس در زمینه سیاست خارجی قانون اقدام راهبردی مجلس یازدهم است؛ البته بعضی‌ها به این قانون اعتراض و عیب‌جویی کردند که مطلقاً وارد نیست و تصویب آن قانون، کار بسیار درستی بود.

ایشان انواع نقش‌آفرینی نمایندگان در تحولات جهانی و دیپلماسی همچون سفرها و ملاقات‌های رئیس و نمایندگان مجلس از جمله حضور مفید رئیس مجلس در اجلاس اخیر بریکس را تأثیرگذار دانستند و گفتند: گاهی حتی یک بیانیه یا نطق نمایندگان در مسائل سیاست خارجی مهم و مؤثر است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بهره‌برداری دولتها از پشتوانه مجالس را امری رایج در دنیا خواندند و افزودند: یک نمونه قانون جامع تحریم آمریکایی‌ها علیه جمهوری اسلامی معروف به «سی‌سادا» است که آن را مجلس آمریکا تصویب کرد و رئیس‌جمهور دموکرات آن زمان که آدم دورو، بددل و البته زرنگ‌تر از مسئولان ما بود، آن را امضاء کرد آن هم در حالی که ادعای همکاری و همراهی با ایران را داشت و می‌توانست امضا نکند.

ایشان با اشاره به تکرار موضوع تحریم در ایام انتخابات از زبان نامزدها و نمایندگان آنها و در بین مردم، مجلس را در این زمینه دارای امکان فعالیت و نقش‌آفرینی دانستند و گفتند: ما می‌توانیم تحریم‌ها را با ابزارهای شرافتمندانه برطرف و بالاتر از آن، خنثی کنیم همچنانکه بارها گفته‌ایم برداشتن تحریم‌ها دست ما نیست و باید برای رفع آنها تدبیر اندیشید اما خنثی‌سازی تحریم دست ما است و راه‌های خوبی هم برای آن وجود دارد که مسئولین دولتی برخی از آن راه‌ها را رفتند و آثار خوبی هم داشت که در این زمینه مجلس هم می‌تواند نقش‌آفرینی کند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، صبح دیروز در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس با تبیین ۸ نکته مهم: «ضرورت پاسخگویی مجلس»، «تعامل سازنده مجلس و دولت جدید»، «شنیده شدن صدای واحد از ارکان کشور در مسائل مهم»، «حاکمیت اخلاق در مباحثات مجلس و دیگر فعالیت‌های نمایندگان»، «بایدها و نبایدهای قانون‌گذاری»، «نظارت بدون افراط و تفریط»، «فعالیت مؤثر هیأت نظارت بر عملکرد نمایندگان» و «حضور جدی مجلس در مسائل جهانی و سیاست خارجی»، ابراز امیدواری کردند با احساس مسئولیت مشترک رئیس‌جمهور منتخب و مجلس، کابینه‌ای متشکل از افراد مؤمن، کارآمد، انقلابی، امیدوار به آینده، مشهور به پاکدستی و صداقت، دارای نگرش ملی و برخوردار از اعتقاد عمیق به جمهوری اسلامی تشکیل شود و مسائل کشور و مردم را به پیش ببرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این دیدار که اولین دیدار مجلس دوازدهم با ایشان بود، جایگاه مجلس را بسیار مهم و حساس خواندند و افزودند: مجلس برخلاف تصور عمومی فقط پرسشگر نیست بلکه مانند هر نهاد تصمیم‌گیر و اقدام‌کننده باید در قبال وظایف و عملکرد خود در پیشگاه خداوند و در مقابل مردم پاسخگو باشد.

ایشان افزودند: البته برای پاسخگویی مجلس در قبال مردم، سازوکاری نداریم اما می‌توان رضایت یا عدم رضایت مردم را در واکنش آنها به عملکرد مجلس مشاهده کرد.

رهبر انقلاب در همین زمینه افزودند: در گذشته کارهای برخی مجالس مورد پسند مردم نبود و به همین علت از چشم مردم افتادند؛ بنابراین تک تک نمایندگان باید رفتار، نطق‌ها، مواضع و عملکرد خود را با توجه به ضرورت پاسخگویی تنظیم کنند.

همگرایی و تعامل سازنده میان قوا، دومین نکته‌ای بود که رهبر انقلاب به تبیین آن پرداختند. ایشان گفتند: ارکان مختلف نظام باید یک مجموعه واحد را شکل دهند که تحقق این هدف، نیازمند تعامل و همکاری و حتی گاهی اغماض و چشم‌پوشی است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای انسجام مجموعه ارکان نظام را نیاز کشور و نظام و مردم دانستند و با اشاره به حضور رئیس‌جمهور منتخب به عنوان نماینده مجلس دوازدهم در این دیدار، افزودند: همچنانکه همیشه مجلس را به تعامل سازنده با دولت‌ها فراخوانده‌ام، به دولت‌ها نیز همکاری با مجالس را سفارش و تأکید کرده‌ام.

رهبر انقلاب، موفقیت آقای پزشکیان در مسائل اقتصادی، فرهنگی، بین‌المللی و دیگر عرصه‌ها را موفقیت همه خواندند و گفتند: باید همه به رئیس‌جمهور منتخب در ادای وظایف کمک کنیم و از بن دندان باور کنیم که موفقیت ایشان، پیروزی همه ماست.

ایشان با اشاره به ضرورت شنیده شدن صدای واحد در مسائل مهم از همه ارکان کشور، افزودند: برخی در دنیا گوش تیز کرده‌اند تا نشانه‌های اختلاف را در حرف‌های مسئولان پیدا کنند؛ ارکان نظام با صدای واحد آنها را مأیوس کنند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین حاکمیت اخلاق در مباحثات مجلس را کاملاً ضروری برشمردند و گفتند: مجلس باید مرکز انتشار امواج مثبت و صدور آرامش و طمأنینه در افکار عمومی باشد و با خودداری از تکرار حرکات بعضی نمایندگان در برخی دوره‌های قبل از جمله سیاه‌نمایی و منفی‌بافی، اذهان مردم را متشنج نکند.

ایشان افزودند: رفتار و گفتار نمایندگان در غیر مجلس و فضای مجازی هم باید حافظ امنیت روانی مردم، وحدت‌بخش، آرامش‌آفرین و دلگرم‌کننده ملت باشد.

رهبر انقلاب با بیان نکته‌ای مهم در باب هوشیاری مسئولان و سیاسیون کشور افزودند: اطلاع داریم که «لشکر سایبری دشمن مشترک همه ایرانیان» در پوشش دروغین رقبا و جناح‌های سیاسی کشور آنها و با اشخاص مورد اعتماد دینی و سیاسی جناح‌ها را مورد اهانت قرار می‌دهد تا طرف مقابل را عصبانی و برافروخته و وادار به جواب کند؛ بنابراین نباید هرچه را در فضای مجازی می‌بینید، کار رقبای سیاسی خود ببینارید.

بایدها و نبایدهای قانون‌گذاری، چهارمین نکته رهبری خطاب به نمایندگان مجلس بود.

ایشان قانون‌گذاری را وظیفه اصلی مجلس، ریل‌گذاری و تهیه نقشه‌راه برای حرکت همه قوا و دستگاه‌ها خواندند و افزودند: هدف قانون‌گذاری باید پیشرفت کشور و خدمت به مردم باشد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر استفاده هرچه بیشتر از کارشناسان، صراحت و تأویل‌ناپذیری بودن قانون را برای جلوگیری از سوءاستفاده قانون‌دانان قانون‌شکن، ضروری دانستند و گفتند: قانون باید با توجه به ظرفیت‌ها و امکانات کشور تصویب شود و قابلیت اجرا داشته باشد.



یافا؛ پیام‌آور امید و روحیه برای جبهه مقاومت

حامد روشن چشم

برنامه «بدون خط‌خوردگی» رادیو گفت‌وگو در خصوص استمرار پیام‌های حمله «یافا» به تل‌آویو با حسین کنعانی مقدم کارشناس مسائل منطقه به‌صورت تلفنی گفتگو کرد.

حسین کنعانی مقدم با بررسی ابعاد مختلف حمله یمن به تل‌آویو با پهباد گفت: یک بُعد این حمله، جنبه نظامی است. این حمله یک نقطه عطفی در قدرت بازدارندگی جبهه مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی است. تنها کارت برنده رژیم صهیونیستی در مقابل موشک‌ها و پهپادهای جبهه مقاومت، گنبد آهنین و عملیات مشترک آمریکا و دیگر کشورهای غربی است.

وی حمله به تل‌آویو با پهباد یافا را بی‌سابقه عنوان و بیان کرد: این پهباد تا دو هزار و ۲۰۰ کیلومتر پرواز کرده است تا به هدف خود در کنار سفارت آمریکا اصابت کند؛ اما هیچ کدام از سیستم‌های پدافندی و حتی آذیرهای خطر عمل نکردند که این مسئله نشان می‌دهد گنبد آهنین فرو ریخته است و قدرتی در مقابل موشک‌ها و پهپادهای جبهه مقاومت ندارد.

این کارشناس مسائل منطقه در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو برخورد پهباد یعنی به تل‌آویو را شکستی بزرگ برای ارتش اسرائیل از منظر نظامی دانست و اظهار کرد: آنها اقرار کردند یک حادثه تلخ و بد برای ارتش صهیونیستی است و حتی وزیر دفاع این رژیم به شکست در این زمینه اقرار کرده است.

وی به ابعاد سیاسی حمله موفق یعنی‌ها به تل‌آویو با پهباد یافا اشاره و عنوان کرد: در آستانه سفر نتانیاهو به آمریکا، مذاکرات و طرح بحث آتش‌بس در نواز غزه هستیم و از سوی دیگر رژیم صهیونیستی مرتباً کشتار مردم بی‌دفاع غزه را تکرار می‌دهد. این حمله، تمام طرح‌های سیاسی رژیم صهیونیستی و آمریکا را خنثی کرد و نشان داد دست برتر در جبهه مقاومت است که یک بخش آن انصارالله یمن است؛ زیرا تا پایتخت رژیم جعلی صهیونیستی نفوذ کرد و عملیات انجام داد.

کنعانی مقدم در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو اشاره کرد: اگر این عملیات با بیش از ده پهپاد انجام می‌شد شرایط برای صهیونیست‌ها بدتر می‌شد؛ زیرا پهباد یافا به‌راحتی از گسل‌های حفاظتی عبور کردند و خودشان را به نقاط حساس تل‌آویو می‌رساندند.

این کارشناس مسائل منطقه حمله مستقیم به تل‌آویو با پهباد از یمن را موجب افزایش تقویت روحیه جبهه مقاومت دانست و گفت: مردم در غزه و حتی جنوب لبنان مرتباً زیر آتش سنگین رژیم صهیونیستی قرار دارند و این حمله موجب افزایش روحیه و باور آنها به شکست صهیونیست شد.

آمریکادر عمل نشان داده که نمی‌تواند

معضلات جامعه جهانی را حل کند

«علی باقری» سرپرست وزارت امور خارجه: دولت آیت الله رئیسی در وضعیت سیال نظام بین‌الملل وارد میدان شد و پیش از آن نظام بین‌الملل یک ثباتی را داشت، اما در مقطع اخیر نبود قدرت محوری در سازوکارهای بین‌المللی شرایط ویژه‌ای را در مناسبات بین‌المللی ایجاد کرد.

این شرایط ویژه می‌توانست برای ما هم فرصت و هم تهدید ایجاد کند، اما رویکردی که دولت سیزدهم در عرصه سیاست خارجی اتخاذ کرد، مبتنی بر تنوع راهبردی در سیاست خارجی بود که یک چابکی و بالندگی به سیاست خارجی داد که در نتیجه عملاً ما شاهد هستیم که در طول سه سال گذشته هیچگاه کشور با بن‌بست مواجه نشده است.

دولت تعادل؛ واقع بینانه ترین نظریه در فلسفه سیاست و مدیریت دولت است

ابراهیم دادجو



نوشتاری از دکتر ابراهیم دادجو عضو هیأت علمی گروه معرفت شناسی و علوم شناختی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی خطاب به منتخب محترم و محبوب ریاست جمهوری، جناب آقای دکتر مسعود پزشکیان را در ادامه می خوانید

با سلام و تبریک و احترام
شاید اولین انتظاری که از دوستداران و کارشناسان داشته باشید طرح بازاندیشی نحوه مدیریت دولت است. اینجانب دکتر ابراهیم دادجو (۱) در جایگاه دکتری فلسفه از دانشگاه تهران، و به تبع آن در جایگاه محقق پژوهشگاهی فلسفه علم و فلسفه سیاست، آخرین، ناشناخته ترین، و واقع بینانه ترین نظریه‌ای را که می‌تواند در عرصه فلسفه سیاست و مدیریت دولت وجود داشته باشد، از باب عرضه‌های کارشناسانه، به استحضار جنابعالی و عموم اندیشمندان احزاب و سیاست می‌رسانم: «دولت تعادل؛ واقع بینانه ترین نظریه در فلسفه سیاست و مدیریت دولت است.»

دولت تعادل

لیبرالیسم، سوسیالیسم، و دولت رفاه برخاسته از لیبرالیسم جدید، مهم ترین نظام‌های سیاسی‌ای هستند که در دهه‌های اخیر بر کشورها حکمرانی می‌کنند. هر یک از این نظام‌ها با ایرادات و مشکلات لاینحل و غیرعادلانه‌ای روبرو هستند. دولت تعادل (تعادل غیر از اعتدال و میانه روی است) نظریه جدیدی است* که، (۱) با نظر به تعادلی که طبیعت، جسم آدمی، و روح آدمی، در درون خود، به آن گرایش دارند و، به تبع آن، (۲) بر اساس حقوق و اصولی که در ذات عموم انسان‌ها ریشه دارند و آنان را به تعادل در خوبی‌ها رهنمون می‌شوند، بهترین نظام سیاسی را نظامی می‌داند که بتواند این تعادل را در میان انسان‌ها و جوامع بشری برقرار سازد.

در این نظریه، عدالت چیزی جز ایجاد و حفظ تعادل نیست، و دولت هر قدر که در جامعه تعادل را برقرار سازد به همان میزان عدالت را برقرار ساخته است.

دولت تعادل می‌تواند فلسفه سیاست جدیدی باشد. این فلسفه سیاست از طبیعت، طبیعت مشترک انسان‌ها، روح و روان مشترک انسان‌ها، و حقوق و اصول مشترک انسان‌ها الهام گرفته است، و از این روی فلسفه سیاسی واقع بینانه‌ای راجع به جوامع بشری است، و به جای اینکه به اصالت فرد (لیبرالیسم) یا اصالت جامعه (سوسیالیسم) یا اصالت رفاه (دولت رفاه) باور داشته باشد، بر اساس تعادلی که طبیعت و جسم و روح انسان‌ها قائم به آن هستند از تعادلی سخن می‌گوید که قوام جوامع بشری به آن است و از طریق این تعادل می‌توان بر انسان‌ها حکمرانی عادلانه داشت.

تعادل در جهان طبیعت

عالم طبیعت به گونه‌ای آفریده شده است که همه اجزای آن در حالتی از تعادل و توازن قرار دارند، و هر گاه تحت تأثیر اجزای یا عامل‌های دیگری از تعادل و توازن خود خارج شوند بالطبع به این گرایش دارند که به حالت تعادل و توازن خود برگردند. اجزای عالم طبیعت در ارتباط با هم نیز از نوعی تعادل و توازن برخوردارند و هر گاه چنین توازنی از میان برود به این گرایش دارند که به حالت توازن خود برگردند. در امثال علوم فیزیک

و شیمی از انواع و اقسام اینگونه تعادل‌ها و توازن‌ها به تفصیل سخن رفته است.

تعادل در جهان آدمی

آدمی نیز، هم در جسم خود و هم در روح و روان خود، از نوعی تعادل و توازن برخوردار است. همه اعضای بدن آدمی در توازن با هم قرار دارند و برهم خوردن این توازن، و بطورمثال نقص یک عضو یا آسیب به عضوی همچون اعصاب و عضلات، سلامت آدمی را در معرض خطر قرار می‌دهند. برهم خوردن توازن در روح و روان آدمی، و بطورمثال اختلال‌های روحی و روانی، نیز سلامت روحی و روانی آدمی را در معرض خطر قرار می‌دهند. حتی عدم توازن در جسم آدمی باعث عدم توازن در روح آدمی، و بالعکس، است، و اگر عدم توازن جسم و روح آدمی از حد نهایی خود فراتر رود می‌تواند به مرگ آدمی ختم شود.

تعادل در جامعه بشری

جامعه بشری حاصل زندگی مشترک همین انسان‌ها است و اگر انسان‌ها از تعادل و توازن جسمی و روحی خارج گردند جامعه بشری را نیز دچار عدم تعادل و توازن می‌سازند. طبع انسان‌ها به تعادل و توازن میل دارد و اگر انسان‌ها بخواهند زندگی آرام و رضایتبخشی داشته باشند باید توازن در درون خود و توازن در ارتباط با یکدیگر را حفظ بکنند.

تعادل در حقوق

تک تک افراد انسان‌ها از (۱) حقوق فردی، (۲) حقوق اجتماعی مشترک، و (۳) حقوق اجتماعی خاص به جامعه یا سازمان یا گروه، یا ... برخوردارند. (۱) حقوق فردی انسان‌ها در ذات (سرشت و فطرت) انسان‌ها ریشه دارند، و امثال حق حیات، حق امنیت، حق تأمین نیازها، حق از نواج، حق مسکن، حق فرزندآوری، مهر و محبت، عدالت، انصاف، ترحم، خوراک و پوشاک، زندگی اجتماعی، عدم تبعیض، و... از جمله آن‌ها هستند. (۲) حقوق اجتماعی انسان‌ها نیز بر دو گونه‌اند، یا در ذات انسان‌ها ریشه دارند، و امثال عدالت، تساوی در فرصت‌ها، مالکیت، آموزش و پرورش، آزادی در انتخاب محل زندگی، در دین، در عقیده، در شغل، درآمد، عدم تبعیض جنسیتی، عدم زورگویی، عدم تجاوز، عزت نفس، حرمت و احترام، ... از جمله آن‌ها هستند، و (۳) یا در فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و بطور کلی در اجتماع خاصی ریشه دارند، و امثال آداب و رسوم، تشویق‌ها و جزاها، پوشش‌ها، و... از جمله آن‌ها هستند.

حقوقی که در ذات انسان‌ها ریشه دارند مشترک بین انسان‌ها هستند و هر فرد یا جامعه یا سازمانی که بخواهد حقوق مشترک انسان‌ها را به هم زده و عده‌ای را از حقوقی بیشتر یا عده‌ای را از حقوقی کمتر برخوردار سازد توازن در حقوق انسان‌ها را به هم زده و زمینه‌های تقابل طرف مقابل را به بار می‌آورد.

اصول تعادل در حقوق

ذات و سرشت مشترک انسان‌ها به آدمی این اجازه را می‌دهد که از حقوق فردی و اجتماعی برخاسته از ذات آدمی برخوردار باشد. حیات اجتماعی انسان‌ها نیز به آدمی این اجازه را می‌دهد که، علاوه بر حقوق اجتماعی برخاسته از ذات آدمی، از حقوق اجتماعی خاص به جامعه خود نیز برخوردار باشد. اینها ایده‌آل‌های آدمی را تشکیل می‌دهند و آدمی را در حالت تعادل و توازنی که به آن میل دارد حفظ می‌کنند.

همین ایده‌آل‌ها منشأ صدور اصولی هستند که فهم آدمی می‌تواند به دست دهد، و آن‌ها را از قالب حقوقی‌ای که دارا است به قالب اصولی‌ای که از آن حقوق حکایت دارند درآورد، و در چهارچوب اصول یا اخلاقیات فردی، اجتماعی قائم به ذات، و اجتماعی قائم به جوامع، به تبیین آن‌ها بپردازد.

اینها ایده‌آل‌ها و اصولی هستند که اخلاقیات نیک ما را تشکیل می‌دهند و می‌توانند، با دوری از افراط و تفریط، انسان‌ها و جامعه انسانی را در حالتی از تعادل و توازن نگه دارند یا به آن حالت متمایل سازند.

وظیفه دولت تعادل

وظیفه دولت تعادل، و هر دولتی، ایجاد و حفظ تعادل و توازن

اجتماعی‌ای است که هم در تناسب با تعادل و توازن طبیعت، هم در تناسب با تعادل و توازن جسمی انسان‌ها، و هم در تناسب با تعادل و توازن روحی انسان‌هایی است که در اجتماعی که با هم دارند جامعه بشری را به بار آورده‌اند. دولت، برای اینکه جامعه بشری را به بهترین نحو مدیریت کند، باید تعادل و توازن را در جامعه بشری برقرار سازد. نخستین وظیفه دولت در برقراری تعادل و توازن اجتماعی نیز پایبندی به حقوق فردی و اجتماعی انسان‌ها و اصول فردی و اجتماعی برخاسته از آن‌ها است. دولت برای اینکه از افراط و تفریط مانع باشد و تعادل را برقرار کند باید زمینه‌های تحقق همان خوبی‌ها و نیکی‌ها را، در تعادلی که بین علم، آموزش، پرورش، حقوق، اقتصاد، سیاست، فرهنگ، و دین برقرار می‌کند، فراهم سازد. هرگونه بی‌تعادلی در یک حوزه، زمینه‌های بی‌تعادلی در سایر حوزه‌ها را به بار می‌آورد و بطورمثال بی‌تعادلی در امور سیاسی یا دفاعی بی‌تعادلی، و به تبع آن بی‌عدالتی، در امثال امور اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، رهنمون خواهد شد. عدم تقسیم‌بندی متعادل دارایی‌ها یا اختصاص نامتعادل دارایی‌ها به اقشار، سازمان‌ها، یا گروه‌های خاص، زمینه‌های عقب‌ماندگی و بی‌عدالتی در سایر حوزه‌ها، و سرانجام، زمینه ناراضیاتی یا طغیان سایر اقشار و گروه‌ها را به بار خواهد نشاند.

دولت تعادل باید با اهتمام به تعادل و عدالت حکمرانان و مدیران و تقسیم متعادل قدرت در میان احزاب و گروه‌ها، و با دوری از اهتمام نامتعادل به یک حوزه، به ممانعت از امثال اختلاس‌ها، اسراف‌ها، مهاجرت تحصیل کرده‌ها، فرار سرمایه‌ها، و با امثال تقدم بخشیدن متخصصان بر غیرمتخصصان، سرمایه بر ثروت، تولیدات بر واردات، نگاه‌های کوچک بر نگاه‌های بزرگ، تعاونی‌ها بر انحصارها، مالیات‌های هنگفت بر مالیات‌های خرد، تسهیلات خرد بر تسهیلات کلان، روستاها بر شهرها، تولید و سرمایه‌گذاری بر دلالتی‌ها، مشاغل مولد بر مشاغل واسطه‌ای، اشتغال بر بیکاری و تبلی، امنیت اقتصادی بر بی‌امنیتی، و... با فرهنگ‌سازی امثال گرایش به عدل و انصاف و امور خیریه، جامعه شهروندان را در حالتی از تعادل یا نزدیک به تعادل نگه دارد. و اینهمه جز با ایجاد تعادل هماهنگ بین عرصه‌های سیاسی، حاکمیتی، دفاعی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، امکان‌پذیر نیست.

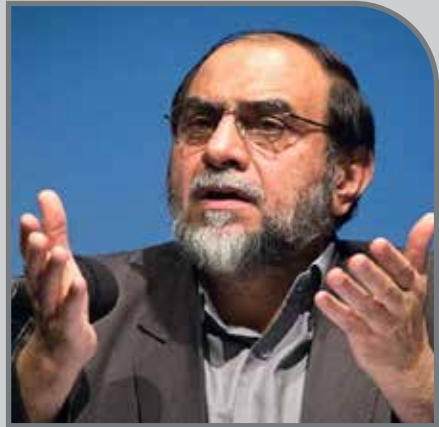
دولت تعادل باید بین تعادل و آزادی نیز جمع کند، از آزادی‌های فردی و اجتماعی‌ای که در ذات و فطرت مشترک انسان‌ها ریشه دارند حمایت کرده، از آزادی‌های مخالف با ذات و فطرت مانع باشد، و آزادی‌های مبتنی بر قرارداد یا مبتنی بر خصوص فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را محترم شمارد.

دولت تعادل باید بین تعادل و عدالت نیز جمع کند. اما عدالت چیزی جز تعادل نیست، عدالت همان تعادل است، و دولت هر قدر که در جامعه تعادل را برقرار سازد به همان میزان عدالت را هم برقرار ساخته است.

سامانه‌های هوش مصنوعی و الگوریتم‌های سنجش تعادل (و نیز سنجش آثار) ابزارهای بهتر و بیشتری را در جهت پیشبرد تعادل و عدالت در اختیار ما قرار می‌دهند، و چنین کاری نیازمند تدارک پردازشگرهایی دانش بنیان است.

اینجانب و عموم ملت ایران توفیقات جنابعالی را آرزومندیم. در مسئولیت خطیر و بزرگی که بر عهده دارید سربلند و پیروز باشید.

* استنباط جدیدی است که بر اساس فلسفه و فلسفه علم جدید و ناشناخته و واقع بینانه‌ای که در سی چهل سال اخیر به بار نشسته است و به جریان «ذات‌گرایی جدید (New Essentialism)» مشهور است، و با جهان بینی اسلامی ما نیز همسوست، به دست داده‌ام. دو کتاب Ellis, Brian, Scientific Essentialism, Cambridge 2001, Metaphysics, Routledge, 2012 از مانیفست این جریان حکایت دارند و هر دو کتاب تحت عناوین ایلس، بریان، ذات‌گرایی علمی، پژوهش و ترجمه ابراهیم دادجو، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۳، و ایلس، بریان، انسان‌گرایی اجتماعی، مابعدالطبیعه جدید، مقدمه پژوهشی و ترجمه ابراهیم دادجو، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی، ۱۴۰۳، در شرف چاپ قرار دارند.



دستور قرآن، میانه روی و عدالت در تمام امور زندگی است

حسن رحیم پورازغدی

استاد حسن رحیم پورازغدی در جلسه کرسی تفسیر موضوعی قرآن کریم که با حضور جمعی از علاقه‌مندان به تفسیر قرآن کریم در محل دارالتفسیر قرآن حرم مطهر رضوی واقع در مقبره شیخ طبرسی، برگزار شد، گفت: خداوند در قرآن اطاعت از خود را به اطاعت از پیامبر اکرم (ص) و اولی الامر گر زده است.

وی تصریح کرد: اسلام به مسئله حکومت، حاکمیت و قضاوت اهمیت زیادی می‌دهد، قرآن فقط برای خواندن و صواب بردن از قرآن نازل نشده، بلکه هدف از نزول آن، تربیت انسان بوده و برای تربیت ظاهر و باطن انسان نازل شده است.

رحیم پورازغدی ابزار کرد: حاکم در حکومت اسلامی باید به حق قضاوت کند، ولو این که طرف مقابل غیرمسلمان و کافر باشد، همچنین باید حکم خدا را اجرا و روابط خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، بازار، خانواده و... را بر اساس دین تنظیم کند.

وی اظهار داشت: برخی معتقدند که اطاعت از پیامبر (ص) فقط در زمان ایشان واجب بوده است، اما قرآن کریم اطاعت از اولی الامر را در کنار اطاعت از خدا آورده و مصداق اولی الامر ائمه معصومین (ع) هستند که بعد از پیامبر (ع) پیشوایی امت اسلامی را بر عهده داشتند. این پژوهشگر قرآنی ابزار کرد: آیات قرآن تک بعدی نیستند و نمی‌توان آنها را به آیات اعتقادی، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی تکلیک کرد، همان‌طور که یک آیه می‌تواند اعتقادی باشد، می‌تواند اخلاقی و سیاسی هم باشد و به مسائل اعتقادی نیز مربوط باشد.

چگونگی محب اهل بیت بودن

عبدالحسین خسروپناه

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی با موضوع «محب و شیعه اهل بیت» در جمع سپاه و بسیج شهرستان ازنا سخنرانی کرد.

حجت الاسلام و المسلمین خسروپناه با اشاره به روایاتی که به شرایط محب اهل بیت بودن می‌پردازد، اظهار کرد: برخی از روایات سهل‌گونه رابطه محب اهل بیت (ع) را بیان می‌کند و امیدوارکننده است، دستاورد کم هزینه را در اختیار ما قرار می‌دهد اما برخی از روایات سخت‌گیرانه است و کار ما را دشوار می‌کند.

وی ادامه داد: در یکی از روایات به نقل از امام حسین (ع) آمده است که *إِنْ حَبَبْنَا لِنَسَاقِطِ الدَّنُوبِ كَمَا تَسَاقِطُ الرِّيحُ الْوَرَقَ* یعنی محبت ما اهل بیت سبب ریزش گناهان است، چنان که باد، برگ درختان را می‌ریزد. در این روایت حتی بر شیعه بودن هم تأکید نشده بنابراین معنای عام دارد و هر کسی که این محبت را داشته باشد گناهانش از بین می‌رود.

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی ادامه داد: روایتهایی هم داریم که کار را سخت کرده است در یکی از این روایات آمده است که اگر محب اهل بیت و شیعه هستید باید قلبتان (که بالاترین ساحت روح انسانی است) از خیانت، نیرنگ، مکر سالم باشد و شیعه خالص باشید.

استاد خسروپناه دلیل اشاره به این روایات را جریان‌شناسی سیاسی در کشور خواند و گفت: حضور و وجود ولی فقیه در کشور باعث شده که از بسیاری از بحران‌ها و چالش‌ها عبور کنیم، آنچنان که پس از شهادت رئیس جمهور، تأکید کردند که امور کشور با قدرت ادامه پیدا کند همان‌طور هم شد و امور کشور بدون اختلال در پیش گرفته شد.

وی همچنین تأکید کرد که جریان‌های مختلف کشور در نقد جانب انصاف را رعایت و براساس توصیه‌های مقام معظم رهبری با رعایت اخلاق و منطق نقد‌های خود را بیان کنند.



آن حسینا لم یخرج لکان خیرا له». البته این جریان ساکت به سرعت طعم ذلت و خواری عدم همراهی با حجت خدا را چشیدند؛ بلاذری در انساب الاشراف درباره فرجام او در واقعه حره می‌گوید سعید بن مسیب نزد فرمانده سپاه یزید مجبور شد به عنوان برده ذلیل با یزید بیعت کند، جمعی برای رها کردن وی، شهادت دادند که او دیوانه است! ابوسعید خدری هم داغ ذلت عدم همراهی با امام را در همین واقعه حره چشید و سپاهیان یزید با خواری تک تک ریش‌های او را کتند!

اهمیت همراهی اصحاب امام حسین (ع) در کربلا با ملاحظه عملکرد دو جریان فوق‌الذکر مبرهن می‌شود. یاران امام «ربیونی» بودند که در راه جهاد و دفاع از دین جان خود را تقدیم کردند و با بصیرت و ایمان قوی الگوی همگان شدند. آنان با ثبات قدم همچون یک امت در کنار امام ایستادند و به همگان درس عزت، عدم سستی و احساس شکست، دوری از ضعف، امیدواری و عدم تکیه به دشمن را آموختند.

یکی از بهترین متونی که در شناخت یاران امام رهنمون بخشی است، زیارت منقول از امام صادق (ع) است که با فراز «السَّلَامُ عَلَیْکُمْ أَیُّهَا الرِّبَّائِیُونَ» آغاز می‌شود و ایشان را یکی از مصداق آیه «کَافِرٌ مِنْ نَبِیِّ



آخرین تحولات

اکنون شکافی میان سطح نظامی و امنیتی اسرائیل با رهبری گالات و هالوی و سطح سیاسی با مرکزیت نتانیاهو بر سر توافق آتش‌بس شکل گرفته است. از سوی نتانیاهو با طرح شرط تداوم حضور در نزاریم برای ممانعت از بازگشت حماس به شمال غزه با حق از سرگیری جنگ موجب بن‌بست جدی در مذاکرات شده و سطح نظامی نیز به دنبال رفع این چالش‌ها و انعقاد توافق هستند.

در همین راستا، سطح نظامی تلاش می‌کند تا فشار افکار عمومی بر نتانیاهو برای توقف جنگ از دو طریق افزایش یابد:

۱. ارائه تصویر پیروزی به افکار عمومی با ادعای نابودی بخش عمده توان حماس و هم‌زمان ادعای آماده بودن توافق برای بازگشت "فرزندان به خانه".
۲. اعلام عمدی خسارت‌های وارده مانند کمبود تانک برای القای عدم آمادگی و فشار لایه نخبگانی به نتانیاهو.

در همین زمینه، تیم نظامی کابینه به نتانیاهو می‌گویند که به هر حال و با هر توافقی آمادگی از سرگیری جنگ را دارند. اما نتانیاهو معتقد به فشار لایه نظامی برای پذیرش طرح بایند بر او است و حتی سطح اقدامات به لجبازی با گالات و عدم پذیرش طرح روز بعد وی رسیده است. این مسئله باعث شده تا مجدداً فضای بدبینی بر توافق حاکم شود.

در این خصوص حتی مذاکرات قاهره که در خصوص طراحی سازوکاری برای مدیریت گذرگاه رفح و محور فیلادلفیا بود نیز به بن‌بست خورده است. اکنون ناظران مذاکرات منتظر نتایج سفر نتانیاهو به آمریکا هستند. به نظر می‌رسد وی در این سفر چهار رویکرد عمده را دنبال کند:

۱. پافشاری بر مواضع قبلی مانند بازگشت همه اسرا و رفع تهدید حماس
۲. اعلام موفقیت آمیز بودن عملیات کنونی رژیم در غزه با ردیف کردن دستاوردها
۳. درخواست حمایت بیشتر از سوی آمریکا برای تداوم و تکمیل اهداف "جنگ موفقیت آمیز".
۴. مقصرنمایی حماس به عنوان مسئول بهم زدن توافقات.

نامه «تکان دهند» ژنرال کوریلایه وزیر جنگ آمریکا از یمنی‌ها شکست خوردیم

کریم جعفری



این روزها یمن نقش نخست را در تحولات منطقه بازی می‌کند. نقشی بی‌بدیل که کمتر کسی تا همین ۱۰ سال پیش فکر می‌کرد که یمنی‌ها بتوانند بالاتر از یک قدرت منطقه‌ای در تراز با رقابت با قدرت‌های برتر و مدعی جهانی ظاهر شوند و بازی را به شکلی مدیریت کنند که دوداز کله همه کسانی که روزگاری فکر می‌کردند می‌توانند دو تا سه ماهه صنعا را اشغال و انصارالله را سرکوب کنند، بلند شود. نقش مهم یمن این روزها در معادلات منطقه‌ای و جهانی به شکلی دیگر برجسته است، کشوری جنگ‌زده، در محاصره، فقیر اما با اراده و پر از مردانی با شکوه که انگار از تاریخ سربرآورده‌اند. این خلاصه داستان این مردان است، مردانی که می‌دانند چه می‌خواهند و می‌دانند باید چگونه این خواستن را عملی کنند. حقیقت برجسته‌ای که یمنی‌ها در طول ۸ سال جنگ نابرابر با ائتلافی از دشمنان عربی - غربی از خود نشان داد و امروز هم دارد آن را به یقین تبدیل می‌کند به دلیل ماهیت انقلابی، تفکرات ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهانه‌ای است که فراتر از سهم‌خواهی‌های معمول و ائتلاف‌های پیش با افتاده صورت می‌گیرد. این حقیقت، باعث شده تا یمن از کشوری گوشه‌گیر، فقیر و دورافتاده از حاشیه تحولات منطقه‌ای به متن تحولات بین‌المللی کوچ کند و امروز در صدر همه خبرها بایستد.

یمن، شاخ آنگلساکسون‌ها را که برای بیش از ۲۵۰ سال در منطقه سلطه مطلق داشتند را شکست و آن‌ها را بی‌آبرو کرد. آمریکا و انگلیسی که فکر می‌کردند دوران بمباران‌ها است و می‌توانند با چند بمب و موشک ملتی را وادار به عقب‌گرد از خواسته‌ها و آرمان‌هایشان کنند، بلاپی بر سر آمریکای مدعی ابرقدرتی در آورده که فرمانده تروریست‌های سنتکام به وزیر جنگ این کشور نامه می‌نویسد و در آن تاکید می‌کند که از «یمن» شکست خورده است. این «نامه محرمانه» که مشخص نیست درست در چه تاریخی از طرف ژنرال کوریلایه به لوید آستین نوشته شده، به باور بسیاری «تکان دهنده» است.

چند مقام آمریکایی با فاش کردن این نامه در مورد محتوای آن به نقل از کوریلایه می‌گویند: مداخلات نظامی صورت گرفته غرب در دریای سرخ به منظور جلوگیری از حملات یمنی‌ها به کشتی‌های مرتبط با رژیم صهیونیستی در این دریا به شکست انجامیده‌اند و نیاز است آنچه یک «رویکرد گسترده‌تر» اعلام شده، اتخاذ کرده تا حملات علیه یمن را تشدید کنند. (در واقع، طرف آمریکایی پس از آنکه دیده نمی‌تواند با استفاده از یک ناوگان دریایی متشکل از ده‌ها فروند هواپیمای جنگنده، پهپاد، سوخت‌رسان، زیردریایی و... از پس یمنی‌ها بر بیاید، خواستار مداخله گسترده‌تر شده است) مقام‌های مورد استناد روزنامه وال استریت ژورنال گفتند: «کوریلایه در نامه خود به آستین خواستار افزایش تلاش‌ها در کل دولت آمریکا علیه حوثی‌ها (انصارالله) و به کارگیری فشار اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی بالقوه شدیدتر به منظور ممانعت از حملات به کشتی‌ها در دریای سرخ و تنگه باب‌المندب از محل ساحل یمن شده است.» یک مقام نظامی آمریکایی گفت: «از نظر خیلی‌ها لحن این یادداشت کمی تکان دهنده بود. این یادداشت اساساً این پیام را می‌فرستد که سربازان آمریکایی در صورتی که ما به این روند ادامه دهیم کشته خواهند شد.»

این روزنامه‌آمریکایی در ادامه این مطلب آورده چند مقام فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا می‌گویند نیروهای آن‌ها «به این سبب که مجوز اجرای حملات در ابعاد گسترده‌تر را نداشته‌اند» نتوانسته‌اند جلوی حملات یمنی‌ها به کشتی‌ها در دریای سرخ و باب‌المندب را بگیرند! که البته این دروغی بیش نیست. آنگلساکسون‌ها بیش از ۶۰۰ بار مناطق مختلف یمن را بمباران کردند، ده‌ها نفر را به شهادت رسانده و بخش بزرگی از زیرساخت‌های باقیمانده این

کشور را هم ویران کردند. دیگر چیزی برای نابودی وجود نداشت. در واقع، آن‌ها می‌دانند که اگر بخواهند دایره حملات را گسترده‌تر کنند، پایگاه‌های آمریکا در منطقه به صورت گسترده‌تر هدف قرار خواهد گرفت.

در حالی که یمن فقط یک حامی معنوی واقعی در خارج دارد و آن نیز ایران است و تقریباً هیچ کشور دیگری به واسطه فشار آمریکا، پول‌پاشی عربستان و امارات و همچنین نفوذ صهیونیست‌ها نمی‌تواند یا نمی‌خواهد به یمنی‌ها نزدیک شود، آمریکایی‌ها طبق معمول تلاش می‌کنند تا شکست خود از یمنی‌ها را به واسطه مداخلات روسیه بدانند. آن‌ها نمی‌خواهند اعتراف کنند که از ملت و ارتش یمن شکست خورده‌اند و به همین دلیل به افسانه‌سرایی در مورد ارسال کمک‌های نظامی به ویژه موشک‌های ضدکشتی از طرف روسیه به یمن مطالبی را می‌گویند که هیچ‌کدام حقیقت ندارد.

در واقع، روسیه به عنوان یکی از اعضای شورای امنیت علیه تحریم تسلیحاتی یمن قطعنامه تصویب کرده است. با این حال، برای آمریکایی‌ها همیشه باید پای یک قدرت در میان باشد و به همین دلیل در مطلب این روزنامه آمریکایی ادعا شده است: «چند مقام آمریکایی که نامشان را فاش نکردند، گفتند تلاش‌های دیپلماتیک دولت آمریکا برای ممانعت از انتقال یافتن موشک‌های روسیه به یمن شامل استفاده از یک کشور ثالث برای متقاعد کردن ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه به منظور نپیوستن به برنامه ایران برای ارسال تسلیحات به حوثی‌ها می‌شود.»

در واقع، یمنی‌ها از موشک‌های ضدکشتی روسی بی‌نیاز هستند. خودشان موشک‌های ضدکشتی دارند که تا فاصله ۱۸۰۰ کیلومتری هر هدفی را می‌زند و از طرف دیگر، تسلیحات و تجهیزات دارند که با آن موفق شده‌اند که در طول ۹ ماه گذشته عملاً کشتیرانی غربی‌ها و صهیونیست‌ها در دریای سرخ را به شدت محدود کنند. وال استریت ژورنال ارزیابی می‌کند: «اطلاعات اخیر درباره برنامه‌ریزی احتمالی مسکو برای عرضه کمک نظامی به یمن و هشدار ژنرال اریک کوریلایه، رئیس فرماندهی مرکزی در ارتش آمریکا درباره ناکام ماندن تلاش‌ها در دریای سرخ این سوال را ایجاد می‌کند که کاخ سفید آیا تلاش کافی برای متوقف ساختن حملات در این ابراهه حیاتی به خرج داده است یا خیر.»

هر چند تلاش برای برجسته کردن نقش روس‌ها برای کاستن از نقش بالقوه ایران است، اما مساله مهم این است که وال استریت ژورنال در حال دادن این پیشنهاد است که آمریکا حملات خود به یمن را گسترده‌تر کرده و رهبران این کشور را «ترور» کند. همان سیاستی که همواره آمریکا و انگلیس داشته‌اند و پیش از این در مورد پوتین هم شنیدیم. با این حال، هر گونه حمله گسترده‌تر به یمن، می‌تواند حملات گسترده‌تر ارتش این کشور علیه پایگاه‌های متعدد آمریکا در منطقه را شامل شود. حملاتی که بدون شک باعث هلاکت نظامیان آمریکایی خواهد شد. این را هم وزارت جنگ آمریکا خوب می‌داند و هم کاخ سفید.

سیاست خارجی آمریکا؛ پاشنه آشیل بایند و دموکرات‌ها

محسن صیادقنبری



که یک طرفه پول‌ها و تسلیحات زیادی را از آمریکا برای این جنگ دریافت و خرج نموده است.

عملیات وعده صادق: این عملیات که در پاسخ نظامی ایران به بمباران کنسولگری ایران در سوریه توسط جنگنده‌های اسرائیلی صورت گرفت در واقع چالش منفی دیگری برای بایند در سیاست خارجی رقم زد و این به منزله ضعف ایالات متحده در دفاع از رژیم صهیونیستی بوده است که ترامپ به شدت از آن انتقاد نمود و مدعی شد که «جو بایند» رئیس جمهور آمریکا در حمله ایران به اراضی اشغالی تا حدی مقصر است. ترامپ در رقابت‌های انتخاباتی ۲۰۲۴ آمریکا گفت: «فقدان رهبری از سوی جو بایند باعث جسورتر شدن تهران شده است! نقطه ضعفی که ما نشان دادیم، غیرقابل باور است و اگر من بر سر کار بودم این اتفاق نمی‌افتاد.»

خروج آمریکا از افغانستان:

در سال ۲۰۲۱ بایند تصمیم به خروج نظامیان آمریکا از افغانستان گرفت که منجر به مسلط شدن طالبان بر کل افغانستان شد و این هم یکی دیگر از شکست‌های راهبردی آمریکا در منطقه بوده است. دونالد ترامپ در کنایه ای ادعا کرده که: «آنها سگ‌ها را جا گذاشتند - من عاشق سگ هستم... شما عاشق سگ هستید... سوال اول این است که آنها با سگ‌ها چکار کردند؟ بیشتر آنها سگ‌های ژرمن شگرد بودند. آنها را جا گذاشتند.» او بارها از جو بایند در خروج کامل نیروهای آمریکا از افغانستان انتقاد

کرده و بر این باور است که عدم حضور نظامی آمریکا در افغانستان، تهدیدی برای ایالات متحده است و افغانستان بدون حضور آمریکا تبدیل به هاروارد تروریست‌ها می‌شود!

جمع بندی:

در نگاه کلی باید گفت که بایند در عرصه سیاست خارجی کارنامه عملکرد ضعیفی داشته است که برای وی و دموکرات‌ها پاشنه آشیلی در انتخابات پیش رو شده است برخلاف ترامپ که با زیر سوال بردن ضعف‌های سیاست خارجی بایند و همچنین با وعده احیای «قدرت» تزلزل‌ناپذیر در آمریکا در تبلیغات انتخاباتی از رقیبش بایند پیشی گرفته است. فعلاً بخت با او یار است تا چه پیش آید.

عملیات راهبردی

عملیات پهپادی انصارالله یمن در قلب تل آویو حاوی پیام‌های مهمی بوده است: دومین عملیات مهم هوایی جبهه مقاومت بعد از عملیات از قبیل اعلام شده پهپادی و موشکی ایران (وعده صادق) در قلب فلسطین اشغالی با مسافت بالا می‌باشد که بازتاب زیادی داشته است. نمایش قدرت جدید هوایی یمن با پهپاد رادارگریز یافا با برد ۲۰۰۰ کیلومتر با مدت زمان ۱۰ ساعت با عبور از همه لایه‌های سیستم‌های دفاعی درست بعد از حمله یمنی‌ها به یک کشتی صهیونیستی تجاری با نام MSC UNIFIC و اضافه شدن تهدید هوایی یمن به تهدید دریایی برای رژیم صهیونیستی.

اصابت پهپاد یافا در ساختمانی در کنار سفارت آمریکا حاوی این پیام است که انصارالله یمن آمریکا را قطعاً شریک جرم جنایات رژیم صهیونیستی در غزه می‌داند و اینکه حمله به منافع آمریکا در غرب آسیا را برای خود مشروع و محفوظ می‌داند. در دوسری دیگر برای بایند و دموکرات‌ها در عرصه سیاست خارجی که منجر به ریزش آراء آنها در انتخابات آینده ریاست جمهوری خواهد شد. اجتماع و حمایت میلیونی مردم یمن و حمایت کامل آنها از این عملیات به عنوان یک سرمایه و پشتوانه مهم در عملیات‌های بعدی.

کاهش شدید قدرت بازدارندگی در فلسطین اشغالی که بعد از مناطق شمالی این بار در تل آویو اتفاق افتاد و احساس ناامنی نمودن صهیونیست‌ها و تردید آنها برای ادامه زندگی در سرزمین‌های اشغالی. آنچه رخ داد شکستی دیگر برای ارتش و سامانه‌های دفاع هوایی و نیروی هوایی و جبهه داخلی صهیونیست‌ها می‌باشد و سئوالاتی مشابه هفتم اکتبر دوباره بوجود آمد که اینها کجا بودند؟ تبعات اقتصادی برای رژیم صهیونیستی و کاهش بیش از پیش سرمایه‌گذاری‌های خارجی در سرزمین‌های اشغالی به خصوص تل آویو. افزایش تردید عربستان در به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی که منوط به توافق تسلیحاتی و هسته‌ای با آمریکا بوده است. دیکته نمودن گفتمان جبهه مقاومت بر گفتمان تهاجمی صهیونیستی-آمریکایی.



ارباب حلقه‌های خونین

اگر اهل فضای مجازی باشید به احتمال زیاد در یکی دو هفته اخیر، پست‌ها و استوری‌هایی با مضمون «تحریم اسرائیل در المپیک» را در صفحات مختلف اینستاگرامی دیده‌اید. این تحریم که ابتدا توسط مقامات فلسطینی مطرح شد، اکنون به یک درخواست عمومی تبدیل شده است؛ از کاربران عادی گرفته تا افراد مشهور و فعالان حقوق بشر، افراد بسیاری در این کمپین شرکت کرده‌اند و خواستار محرومیت اسرائیل از شرکت در المپیک پاریس ۲۰۲۴ هستند.

داستان‌های تلخی از این جنگ به گوش می‌رسد، جنگی که به هیچ غیرنظامی رحم نمی‌کند. «ماجد ابو مرهیل»، اولین دوند المپیک فلسطینی که در بازی‌های آتلانتا ۱۹۹۶ شرکت کرده بود، چند هفته پیش به دلیل کمبود کمک‌های پزشکی در غزه درگذشت.

اسرائیل، قاتل هزاران نفر در غزه و صدها ورزشکار فلسطینی با پرچم خود در رقابت‌های المپیک شرکت می‌کند؛ هر چند حلقه‌های المپیک قرار بود نماد صلح باشند اما حالا به خون مظلومان آغشته شده است.



اما واگرهای واردات خودرو

هیئت دولت در هفته گذشته، از تصویب آیین‌نامه واردات خودرو برای همه ایرانیان خبر داد. آقای جهی در ادامه اعلام این خبر تأکید کرد، این مصوبه آخرین گام برای مقابله با انحصار در صنعت خودرو است. درباره این خبر و سیاستی که دولت سیزدهم در صنعت خودرو داشت، نکاتی وجود دارد:

دولت سیزدهم در بخش افزایش تولید خودرو موفق بود و توانست تا ۳۵ درصد افزایش تولید سالانه را نسبت به انتهای دولت دوازدهم عملیاتی کند. این دولت اگرچه نتوانست انتظارات را از حیث قیمت‌ها در بازار خودرو برآورده کند، اما ضمن افزایش تولید، قوانینی برای واردات خودرو در دستور کار قرار داد که به صورت کلی یک گام به جلو بوده است و زمینه را برای بهبود وضعیت بازار در دولت بعد فراهم کرد.

درباره آیین‌نامه اخیر، برخی ابهامات مطرح است که به نظر می‌رسد نسبتی با اقتصاد کشور ندارد و احتمالاً باید اصلاح شوند. بر اساس آیین‌نامه واردات خودروهای کارکرده، اشخاص حقیقی با کد ملی می‌توانند خودرو وارد کنند که منشا ارزشان صادرات یا سرمایه‌گذاری خارجی باشد. الزام تأیید منشأ ارز، وضع سود بازرگانی بالا، تأییدیه قطعات یدکی، خدمات پس از فروش، حقوق ورودی قابل توجه و... موانع جدی در تحقق این آیین‌نامه است. به ویژه آنکه همه ایرانیان، صادر کننده نیستند (آن هم با ارز منشأ خارج) که بتوانند خودرو وارد کنند.

از نقدهای دیگری که بر قانون واردات خودرو مترتب است و پیش‌بینی هم می‌شد، عدم تأمین تقاضای ارز است. در سال گذشته، همراه با وعده مسئولان مبنی بر واردات ۲۰۰ هزار دستگاه خودرو، در نهایت کمتر از ۱۲ هزار خودرو ترخیص قطعی شد؛ یعنی کمتر از دو درصد از میزان تولید خودروسازان داخلی که عملاً نمی‌تواند سهمی در تنظیم بازار و ایجاد فضای رقابتی داشته باشد. اکنون این گمان می‌رود که ارز اشخاص نیز نتواند پاسخگوی حجم بالای تقاضا برای واردات خودرو باشد، به ویژه که سازکار آن نیز بسیار دشوار تدوین شده است.

مسئله بعدی محل تأمین ارز است. ارز حاصل از صادرات اشخاص، امکان تأمین ارز مورد نیاز واردات خودرو را به اندازه‌ای که اثری مداوم داشته باشد، ندارد. اکنون باید دید آیا منابع ارزی جایگزین کفاف چنین وارداتی را می‌دهد یا فشار این مخارج ارزی به افزایش قیمت ارز منجر خواهد شد؟ نکته بعدی اینکه همین واردات با چنین قیمت‌هایی که امروزه در بازار شاهدیم، طبقات بالای جامعه را سیراب می‌کند، وگرنه طبقات متوسط و پایین جامعه اساساً توان خریداری آنها را ندارند. واردات خودرو با این سازکار، از حیث تقویت بخش عرضه اثر بسیار پایینی بر بازار دارد؛ اما از حیث روانی تأثیرات مثبتی بر قیمت‌ها، آن هم در مقطعی چند ماهه به صورت تنفس مصنوعی ایجاد می‌کند.

رکورد نرخ بیکاری در ۲۰ سال گذشته شکست

مخبر روز یکشنبه در شصت و چهارمین اجلاس سالانه مجمع عمومی بانک مرکزی، ضمن گرامیداشت یاد رئیس جمهور شهید و یادآوری حساسیت‌های شهید رئیسی نسبت به شاخص‌های اقتصادی، تلاش‌های تیم اقتصادی دولت برای بهبود شاخص‌های آسیب‌دیده اقتصادی کشور از طریق مقابله با شرایط سخت داخلی و فشارهای خارجی را جهادی توصیف کرد که توانست در حد قابل قبولی در بهبود شاخص‌های اقتصادی مؤثر باشد.

سرپرست ریاست جمهوری: کاهشی شدن روند رشد پایه پولی، کاهش نرخ بیکاری به زیر ۸ درصد به عنوان کمترین رقم در ۲۰ سال گذشته، کاهش قابل توجه شکاف اقتصادی طبقاتی و ایجاد تعادل نسبی میان هزینه‌ها و درآمدهای مردم با افزایش قابل توجه رقم یارانه، توزیع کالا برک، کاهش هزینه‌های درمانی و افزایش پوشش‌های بیمه‌ای و اقدامات مشابه که به بهبود نرخ ضریب جینی انجامید، از دیگر دستاوردهای کم نظیر دولت بود.

راهبرد سیاست‌گذاران در برابر جهان تکه‌تکه شده چگونه باید باشد؟

گیتاگوپینات

مقاله‌ای به قلم گیتا گوپینات (یکی از مقامات ارشد IMF) که به تاریخ ۶ فوریه ۲۰۲۴ در پایگاه خبری فراین پالیسی منتشر شده است.

بریده‌هایی از این گزارش

«ما در یک نقطه عطف تاریخی به سر می‌بریم. تجارت در حال تکه‌تکه شدن است؛ زیرا بسیاری از کشورها به نام «برون‌سپاری» به کشورهای هم‌فکر»، «ریسک‌زدایی» و «اتکا به خود» موانعی را بر سر راه آن ایجاد می‌کنند. کشورها ممکن است دلایل معتبری مانند نیاز به تقویت امنیت ملی و ایجاد تاب‌آوری برای دنبال کردن این سیاست‌ها داشته باشند. برخی از ملت‌ها در کوتاه‌مدت ممکن است سود ببرند. باین‌حال، اگر این روند ادامه یابد ممکن است به یک جنگ سرد جدید بینجامد.

هر چند محرک‌های تکه‌تکه شدن اقتصادی امروز شبیه به دوران جنگ سرد است (یعنی رقابت ایدئولوژیک و اقتصادی بین دو ابرقدرت)، اما این مرحله اساساً تفاوت‌هایی دارد.

برای شروع، درجه وابستگی متقابل اقتصادی بین کشورها امروزه بالاتر است. امروزه اقتصادها هر چه بیشتر در بازار جهانی ادغام شده‌اند و زنجیره‌های ارزش جهانی نیز پیچیده‌تر هستند. این موارد احتمالاً هزینه‌های تکه‌تکه شدن اقتصادی را افزایش می‌دهد.

همچنین عدم اطمینان بیشتری در مورد اینکه چه کسی در کدام بلوک قدرت است وجود دارد. در طول جنگ سرد، کشورها تمایل داشتند تا به‌صراحت جانب‌داری خود از ایالات متحده یا اتحاد جماهیر شوروی را بروز دهند. امروزه، چرخش‌های مداوم در داخل کشورها در ایدئولوژی رهبران سیاسی آنها رایج‌تر است و تعیین جانب‌داری را دشوار می‌سازد.

با مشاهده نشانه‌هایی از شکاف‌های رو به رشد ممکن است این سوال ایجاد شود: آیا ما وارد دوره جهانی‌زدایی شده‌ایم؟ اگر جهانی‌زدایی را به‌عنوان کاهش نسبت تجارت جهانی به تولید تعریف کنیم، پاسخ منفی است. سهم تجارت جهانی در تولید ناخالص داخلی جهانی نسبتاً ثابت مانده و از سال ۲۰۱۱ بین ۵۵ تا ۶۰ درصد در نوسان است.

در میانه رشد آهسته‌تر اقتصاد جهانی و چرخش هزینه‌ها از کالا به خدمات پس از همه‌گیری کرونا، از زمان آغاز جنگ روسیه در اوکراین روند تجارت در همه‌جا نزول یافته است. تجارت بین

بلوک‌های قدرت بسیار بیشتر از تجارت درون بلوک‌ها کند شده است. این امر به‌ویژه در بخش‌های استراتژیک مانند مواد شیمیایی و ماشین‌آلات که برای توسعه محصولات مختلف (از جمله فناوری‌های کم‌کربن) استفاده می‌شوند، صادق است.

مطابق برخی شواهدی که وجود دارد پیوندهای مستقیم بین ایالات متحده و چین به‌سادگی با پیوندهای غیرمستقیم جایگزین می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر، به‌جای کاهش تجارت میان آمریکا و چین، می‌توان شاهد تغییر مسیر آن از طریق کشورهای دیگر بود. به نظر می‌رسد که خود این امر باعث طولانی شدن زنجیره تأمین، کاهش بهره‌وری و ایجاد بی‌ثباتی و آسیب‌پذیری‌های جدید شود.

واضح است که تکه‌تکه شدن اقتصادی واقعیت زمانه ماست و از آنجا که صبندی‌های ژئوپلیتیکی، جریان‌های تجارت و سرمایه‌گذاری را شکل می‌دهند، احتمالاً این روند ادامه خواهد داشت. علی‌رغم تلاش‌های دو اقتصاد بزرگ برای قطع روابط با یکدیگر، هنوز مشخص نیست که در یک اقتصاد جهانی عمیقاً یکپارچه و مرتبط، آنها تا چه اندازه موفق خواهند بود. با بیشتر شدن و عمیق‌تر شدن تکه‌تکه شدن اقتصادی، هزینه اقتصادی آن چه خواهد بود؟ و این هزینه‌ها چگونه منتقل می‌شوند؟

در یک سناریوی افراطی، حتی کسانی که از تکه‌تکه شدن در اشکال ملایم آن سود می‌برند، تکه‌ای بزرگ‌تر از یک کیک اقتصادی بسیار کوچک‌تر نصیبشان خواهد شد. به طور خلاصه، همه می‌توانند شکست بخورند.»

دیدگاه در مورد مقاله‌ای گیتا گوپینات با عنوان «راهبرد سیاست‌گذاران در برابر جهان تکه‌تکه شده چگونه باید باشد؟»

صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی، سه نهاد مهم و اثرگذار ذیل گفتمان «جهانی‌سازی» هستند. اساساً هویت و موجودیت این نهادها، وابسته و گره‌خورده به یک جهان یکپارچه و یک گفتمان جهان‌شمول است و شکل‌گیری یک جهان چندتکه‌شده می‌تواند زمینه‌بلاثر شدن چنین سازمان‌هایی را فراهم کند. صندوق بین‌المللی پول در سال‌های گذشته، گزارش‌های متعددی را در مورد پدیده چندپاره‌شدن جهان منتشر کرده و بارها مخاطرات آن را گوشزد کرده است. حسب اطلاع، تدوین و انتشار این گزارش‌ها توسط صندوق بین‌المللی پول همراه با اختلاف نظر درونی بوده است و بخشی از بدنه مدیریتی آن سازمان بر این باورند که IMF نباید بر این واقعیت که جهان دیگری در



حال برآمدن است صحنه بگذارد. اما بخش دیگری از بدنه کارشناسی این سازمان، مواجه شدن با واقعیت و از آن مهمتر، کنشگری فعالانه در جهت مقابله با آن را بر سکوت ترجیح داده‌است. در نقطه مقابل، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی، تاکنون بیشتر ترجیح داده‌اند در همایش‌ها و اجلاس‌ها در مورد پدیده Fragmentation صحبت کنند تا اینکه گزارشی رسمی راجع به این موضوع منتشر کنند.

علی‌ای حال، اینکه یکی از مقامات ارشد IMF مجدداً در یادداشتی، مجدداً به موضوع چندتکه شدن جهان تأکید کرده و اجد دلالت‌های مهمی می‌تواند باشد. وی به صراحت بیان می‌کند که «تکه‌تکه شدن اقتصاد جهانی واقعیت زمانه ماست و ... احتمالاً این روند ادامه خواهد داشت.» چندتکه شدن تجارت جهانی و جریان سرمایه، تعدد سیستم‌های پرداخت بین‌المللی، تقویت رویکردهای حمایت‌گرایانه در حوزه صنعت و فناوری، افزایش استفاده از تحریم و نظام‌های کنترل صادرات و ... همگی پدیده‌های زنده و جاری دنیای امروز هستند.

بر اساس این گزاره راهبردی که «ساختار تحریمی آمریکا در میان مدت و بلندمدت دست نخورده باقی خواهد ماند» (استدلال در مورد این گزاره را در اینجا بخوانید) به نظر می‌رسد پرسش واقعی پیش روی هر یک از نامزدهای ریاست جمهوری در حوزه روابط خارجی آن است که «چگونه می‌توان از فرصت‌های ایجادشده در نتیجه شکاف قدرت‌ها به بهترین صورت برای خنثی‌سازی تحریم‌ها استفاده کرد.» حرکت در جهت ارائه پاسخ دقیق به پرسش فوق می‌تواند زمینه مذاکره انتفاع محور را فراهم کند.

ارائه این فهم ژئوپلیتیک به نامزدهای ریاست جمهوری می‌تواند آنها (و به تبع، عامه مردم) را از خطر فرو افتادن به دام دوگان ساختگی «تلاش برای رفع تحریم‌ها - میل به بقای تحریم‌ها» برهانند.

نیازمند اصلاح رویه‌های داخلی هستیم

سیدحسین محفوظی

است که در این زمینه نیز کشورهای عضو گروه بریکس اقداماتی را انجام داده‌اند.

حرکت کشورها به سمت استفاده از سازکارهای پرداخت منطقه‌ای

وی افزود: در حال حاضر بیشتر کشورها ضمن انتقاد از یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در نظام مالی و بانکی جهانی، به دنبال ایجاد سازکارهای پرداخت منطقه‌ای هستند که از این میان می‌توان به اقدامات کشورهای شرق آسیا، آمریکای جنوبی، آفریقا و گروه‌هایی مانند بریکس و سازمان شانگهای اشاره کرد.

محفوظی تأکید کرد: این اقدامات در حالی است که موضوعاتی مانند تحریم و اعمال محدودیت بر ذخایر ارزی سایر کشورها، مزید بر علت شده و این روند را سرعت بخشیده است، مگر نه بسیاری از کشورهایی که هدف تحریم‌ها نیز نبوده‌اند، در این روند حضور دارند. به عنوان مثال کشورهای آفریقایی یا راه‌اندازی نظام پرداخت درون‌منطقه‌ای خود، ادعا می‌کنند که انجام پرداخت‌های منطقه‌ای از طریق این نظام و عدم استفاده از بانک‌های کارگزار آمریکایی و اروپایی، سالانه حدود ۵ میلیارد دلار صرفه‌جویی ارزی از محل عدم پرداخت کارمزد و... دارد.

استفاده از ظرفیت بریکس نیازمند اصلاح رویه‌های داخلی است

وی در پایان تصریح کرد: استفاده از ظرفیت‌های به‌وجود آمده در گروهی مانند بریکس یا سازمان شانگهای، الزاماتی دارد که مهمترین آن پیگیری مستمر و اصلاح قوانین و ساختارهای داخلی است. تجربه اثبات کرده که در بسیاری از موارد، صرفاً به دلیل تعلل و طولانی شدن بروکراسی در کشور، این ظرفیت‌ها را از دست داده‌ایم. ضروری است نهادهای سیاستگذار و مجری با در نظر گرفتن شرایط فعلی کشور و نظم جدیدی که در جهان در حال شکل‌گیری است، شیوه تعامل با گروه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای را اصلاح کنند.



یکی از اقدامات مؤثر گروه بریکس، توسعه روابط بانکی کشورهای عضو این گروه در قالب روش‌های مستقل از نظام دلاری و سوئیفتی است. سید حسن محفوظی در گفتگو با برنامه رهیافت رادیو اقتصاد ضمن تشریح ابعاد این موضوع به بیان چالش‌های احتمالی و راهکارهای رفع آن برای استفاده هر چه بیشتر از ظرفیت گروه بریکس پرداخت.

اقدامات گروه بریکس در جهت توسعه روابط بانکی مستقل از دلار و سوئیفت

محفوظی در خصوص تفاوت سازکار بریکس پی و سوئیفت گفت: ابتدا باید به این موضوع توجه کرد که سازکار بریکس پی در ابتدا برای اتصال شبکه پرداخت خرد کشورهای عضو بریکس به یکدیگر ایجاد شده بود که پس از مدتی، زیرساخت پیام‌رسانی مالی و حتی استفاده از رمزارزها و CBDCها را به سازکار خود اضافه کرد. با این حال با توجه به اینکه اخیراً این تغییر رخ داده، حجم استفاده از این سازکار اندک است.

این کارشناس حوزه تجارت خارجی ادامه داد: البته گفتنی است که روابط بانکی صرفاً با ساختاری مشابه شبکه سوئیفت کامل نمی‌شود و پیام‌رسانی مالی، که سوئیفت هم صرفاً یک پیام‌رسان مالی است، بخشی از زیرساخت لازم برای برقراری روابط بانکی است. برقراری روابط کارگزاری بانکی و نظام پایاپای و تسویه دو پیش‌نیاز دیگر برای ایجاد روابط بانکی



توسعه سیستم‌ریلی منجی مصرف‌سخت

حسین جعفری‌حقگو

فواید ناشی از روش‌های مختلف حمل و نقلی را می‌توان وابسته به کاهش هزینه‌های ناشی از استفاده از آن روش‌ها دانست. هزینه‌های روش‌های مختلف حمل و نقل شامل موارد زیر است:

- هزینه‌های زیرساخت مانند هزینه تملک اراضی برای احداث راه، راه‌آهن، ایستگاه‌ها و تعمیر و نگهداری
- هزینه‌های تأمین ناوگان و استهلاک آن
- هزینه‌های بهره‌برداری مانند تعمیر و نگهداری ناوگان، قطعات یدکی، تأمین نیروی انسانی و ...
- هزینه‌های تأثیرگذار بر محیط زیست و زندگی

بررسی مصرف سوخت بنزین و گازوییل توسط انواع وسایل سفر نشان می‌دهد که جذب مسافران جاده‌ای به سیستم ریلی موجب صرفه‌جویی ۶۰ درصدی در مصرف سوخت است. به این ترتیب که صد مسافر-کیلومتر سفر حومه‌ای جاده‌ای در مجموع ۵.۷۴ لیتر سوخت مصرف می‌کنند اما به دلیل اینکه ۱۰۰ مسافری که جذب سیستم ریلی می‌شوند، اغلب از سایر سیستم‌های همگانی جذب می‌شوند، بنابراین تنها ۳.۸۵۵ لیتر سوخت مصرف می‌کنند. به این ترتیب صرفه‌جویی برای جذب مسافران جاده‌ای به سیستم ریلی برابر با ۶۰ درصد و معادل ۲.۲۱۵ لیتر است که برای هر مسافر-کیلومتر معادل ۲۳.۱۵ سی‌سی می‌شود.

بنابراین اگر برنامه‌ریزی و اقدامات سیاستگذار منجر به مطلوبیت معیارهای سیستم‌های ریلی روزانه برون‌شهری از جمله سرعت، راحتی، دسترسی مطلوب و هزینه گردد، می‌توان به این نتیجه رسید که مسافران زیادی از سایر روش‌های حمل نقلی به خصوص سرنشینان خودروی شخصی به سیستم ریلی جذب شوند.

از جایزه ادبی هانس کریستین آندرسن تا مسابقه بین‌المللی تصویرگری کتاب کودک جزیره‌نامی

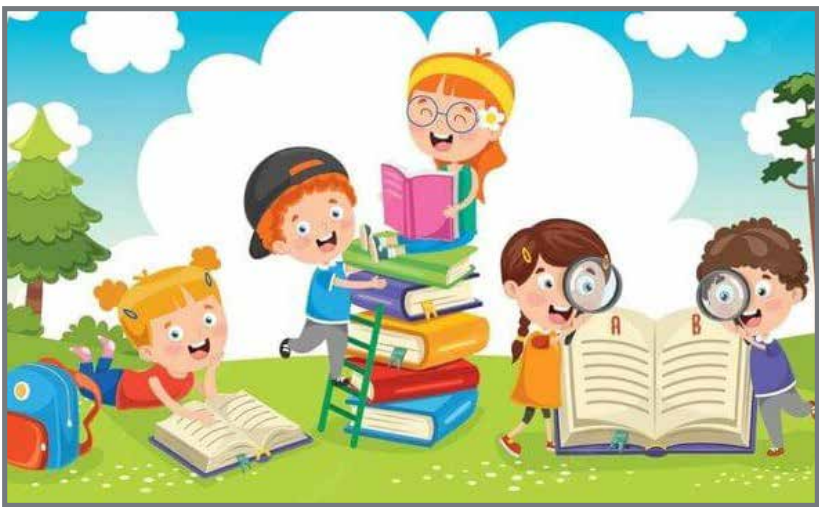
به مناسبت برگزاری نخستین جشنواره ملی و بین‌المللی کتاب کودک و نوجوان سلسله مطالبی با عنوان آشنایی با مهمترین جوایز و جشنواره‌های بین‌المللی کتاب کودک تدارک دیده شده که در نخستین شماره آن جوایزی چون جایزه ادبی هانس کریستین آندرسن معرفی شده‌اند.

این جایزه وبسایت ندارد. متأسفانه از جست‌وجو در سایت‌های دیگر درباره فاکتورهای جایزه چیزی به دست نیامد.

■ مسابقه بین‌المللی تصویرگری کتاب کودک جزیره‌نامی

این مسابقه بین‌المللی، که در سال ۲۰۱۳ راه‌اندازی شد، در کشور کره جنوبی برای هنرمندان کتاب کودک برگزار می‌شود. این رویداد دوسالانه توسط جزیره نامی کره حمایت مالی می‌شود و به‌دنبال تشویق خلاقیت هنری و ارتقای کیفیت تصویرگری کتاب‌های تصویری در سراسر جهان است.

این مسابقه برای همه تصویرگران کتاب تصویری آزاد است. هنرمندان می‌توانند تصاویر را به‌صورت چاپی یا دیجیتال ارسال کنند. هر مجموعه از تصاویر باید شامل یک داستان باشد. هر متقاضی می‌تواند پنج تا ده فریم تصویری در هر ورودی آپلود کند. اندازه هر تصویر می‌تواند متفاوت باشد اما حجم مجموع تصاویر روی هم‌رفته باید کمتر از ۲۰ مگابایت باشد. هر اثر باید حداقل ۱۰۲۴ پیکسل باشد. هر متقاضی می‌تواند حداکثر سه اثر مختلف ارسال کند. متقاضیان باید برای هر اثر خلاصه‌ای ۱۰۰ کلمه‌ای اثر ارسال کنند.



ارسال می‌شود. شصت‌وشش نامزد از سی‌وسه کشور برای جوایز هانس کریستین آندرسن ۲۰۲۲ وجود داشت.

جوایز به نام هانس کریستین آندرسن، نویسنده دانمارکی داستان‌های پریان در قرن نوزدهم، نامگذاری شده‌اند و هر برنده مدال هانس کریستین آندرسن، مدال طلا با تندیس نیم‌تنه آندرسن و گواهینامه دریافت می‌کند. مدال‌ها در کنگره دوسالانه IBBY ارائه می‌شوند.

■ جایزه تیودور زیوس گیزل

جایزه Theodor Seuss Geisel هر سال به نویسنده(ها) و تصویرگر(ان) اعطا می‌شود که در سال پیش از آن بهترین کتاب آمریکایی را برای خوانندگان مبتدی به زبان انگلیسی در ایالات متحده منتشر کرده‌اند. برنده(ها) به‌خاطر دستاوردهای ادبی و هنری خود - که نشان‌دهنده خلاقیت و تخیل آن‌ها برای مشارکت دادن کودکان در خواندن است - شناخته می‌شوند و مدال برنز دریافت می‌کنند. نویسندگان و تصویرگران کتاب افتخاری گواهینامه‌هایی دریافت می‌کنند که در کنفرانس سالانه ALA ارائه می‌شود. این جایزه در سال ۲۰۰۴ تاسیس و اولین بار در سال ۲۰۰۶ ارائه شد.

این جایزه به نام تیودور گیزل،

نویسنده سرشناس کودکان جهان،

نامگذاری شده است. تیودور گیزل،

با نام مستعار دکتر سوس، می‌گوید:

«یک فرد هر چقدر هم که کوچک

باشد، یک شخص است. کودکان

همان چیزهایی را می‌خواهند که

ما می‌خواهیم: بخندند، به چالش

کشیده شوند، سرگرم شوند و

خوشحال شوند. دکتر سوس،

درخشان و بازیگوش، راه نفوذ خود

را به آگاهی چهار نسل از جوانان و

والدین یافت و در این راه به آن‌ها

کمک کرد تا بخوانند.»

هر ساله جوایز متعددی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان در جای جای جهان برگزار می‌شود. جوایزی که فعالان این عرصه در کشورهای مختلف را گرد هم آورده و اشتراک‌گذاری دستاوردها را موجب می‌شود. عمده این جوایز به دلیل تداوم در برگزاری در تقویم فرهنگی جهان جای مهمی را به خود اختصاص داده‌اند و امید است که جشنواره ملی و بین‌المللی کتاب کودک و نوجوان ایران نیز در این تقویم جایی در خور شان فرهنگ ایران زمین پیدا کند. به مناسبت برگزاری نخستین دوره این جشنواره سلسله مطالب آشنایی با مهم‌ترین جوایز و جشنواره‌های بین‌المللی کتاب کودک تدارک دیده شده است که در ادامه نخستین شماره از آن را خواهید خواند:

■ جایزه ادبی هانس کریستین آندرسن

در آیین‌نامه این جایزه آمده است: «جایزه هانس کریستین هر دو سال یک بار توسط IBBY به یک نویسنده و یک تصویرگر که در زمان نامزدی در قید حیات هستند و بر اساس ارزش فوق‌العاده آثارشان به نظر می‌رسد نقشی ماندگار در این جایزه داشته باشند اهدا می‌شود. در مرحله انتخاب، آثار کامل نویسنده و تصویرگر که در زیرمجموعه ادبیات کودک باشند لحاظ خواهد شد. این جایزه صراحتاً با عنوان یک اثر بین‌المللی طراحی شده است و به کشور خاصی تعلق نمی‌گیرد.»

IBBY اعضای بسیاری از کشورهای مختلف دارد؛ همه کشورها واجد شرایط عضویت در این نهاد هستند. کشورهای عضو ساز و کار خود را دارند که با عنوان «بخش ملی» شناخته می‌شود و در سراسر کشور فعال است. همه کشورهای عضو می‌توانند نامزدهایی را برای بررسی در جوایز هانس کریستین آندرسن معرفی کنند. برخی از کشورهای عضو در تمام سال‌ها یک نویسنده یا تصویرگر ثابت را معرفی می‌کنند، برخی دیگر هر بار یک نامزد جدید را معرفی می‌کنند. برای معرفی هر نامزد، پرونده‌ای تهیه می‌شود که اطلاعاتی از جمله فهرست آثار و طرح زندگینامه ادبی او را در بر می‌گیرد. در این پرونده همچنین باید بین پنج تا ده کتاب از نمونه‌کارهای نامزد وجود داشته باشد که برای هیئت منصفه، رئیس IBBY و «منشی هیئت داوران»



عطرآلود مرگ آمیزی یک رویا

مینورضایی

آخرین ساخته‌ی هادی مقدم‌دوست در چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر در سال ۱۴۰۱ رونمایی شد و شانزدهم خرداد ماه سال جاری روی پرده‌ی سینماها رفت و همچنان مخاطبان سینمای مقدم‌دوست را روبه‌روی پرده‌ی نقره‌ای می‌نشانند. یادداشتی بخوانید به قلم خانم «مینورضایی» که به تماشای این اثر سینمایی نشست است:

«عطرآلود» از آن دسته فیلم‌هایی است که هر کس بهره‌ی خود را از آن می‌گیرد. عطرآلود می‌تواند هم جوابگوی مخاطبی باشد که دنبال قصه‌ی عاشقانه است، هم مخاطبی که در جستجوی محتوای دینی است و هم پاسخگوی مخاطبی که علاقه‌مند به مسائل اجتماعی روز است.

قصه‌ی عاشقانه‌ی عطرآلود سرراست و پاکیزه است. عشقی متعهد، پایدار و کمی در این زمانه؛ عشقی که برخلاف بسیاری از فیلم‌های سینمایی دیگر با خیانت، خسوت، ناسازگاری، خودخواهی و پوچ‌گرایی آلوده نمی‌شود.

اما آنچه در عطرآلود بیشتر از مسائل دیگر توجهم را به خود جلب کرد، پرداختن به مسئله‌ی تقدیر و مرگ و به اصطلاح «هیچ‌کاره» بودن انسان در این قضیه بود. علی به علت بیماری صعب‌العلاجش تمایلی برای به دنیا آمدن فرزندش ندارد. اعتقاد او این است که به دنیا آمدن یک بچه‌ی بی‌پدر هم برای آن بچه و هم برای همسرش عاطفه، بسیار سخت است ولی اگر این جنین به دنیا نیامده بمیرد، زندگی بهتر می‌شود. علی به بهانه‌ی نزدیک بودن مرگ خودش، برای قطع حیات جنین اقدام می‌کند اما دست خداوند اینجا چند تجربه‌ی بسیار نزدیک به مرگ را جلوی چشم علی رقم می‌زند تا او درک کند اختیاری در تعیین حق حیات و مرگ کسی ندارد. نه تنها خودش، بلکه ماهرترین پزشکان هم در تعیین زمان و نوع مرگ هیچ انسانی اختیار ندارند.

تجربه‌ی نزدیک به مرگ اول برای علی درست زمانی رقم می‌خورد که کنترل ماشین هنگام بحث کردن او و عاطفه درباره‌ی نگهداشتن جنین، از دست می‌رود و عاطفه ضربه می‌خورد و جنین با خطر مرگ مواجه می‌شود؛ درست قبل از مرگ علی.

تجربه‌ی نزدیک به مرگ دوم هنگامی است که علی با موتور به دنبال آمبولانس می‌رود و در تونل با ضربه‌ی شدید سر به زمین می‌خورد و تال‌به‌ی مرگ می‌رود اما نه مرگی که دکترها برایش پیش‌بینی و نه در زمانی که برایش تعیین کرده‌اند.

تجربه‌ی نزدیک به مرگ سوم درست زمانی است که علی همچنان مرگ خودش را نزدیک‌ترین مرگ می‌بیند و به همین خاطر خودش را در همه چیز محق می‌داند اما ناگهان فروزنده مقابل چشم او سکنه می‌کند.

تجربه‌ی نزدیک به مرگ چهارم هم زمانی است که علی با حالی بد در جاده گم شده، برف و بوران مانع دید اوست و آخرین تلاش‌هایش برای تزریق دارو بی‌نتیجه می‌ماند.

این چهار تجربه‌ی نزدیک به مرگ، هرکدام به مرور و به نوعی علی را که خشمگین، درمانده، آزرده و تا حدی بی‌انصاف شده به خود می‌آورند. علی دست تسلیم را در برابر مرگی که هرگز معلوم نیست کی و چگونه از راه می‌رسد بالا می‌برد و به زندگی کردن می‌پردازد؛ به درست زندگی کردن. سیر تحول اخلاقی علی عطرآلود تنها با در نظر گرفتن این چهار تجربه نزدیک به مرگ می‌تواند منطقی باشد.

معرفی کتاب «هنر، شناخت و ارزش»

پوریگل شناس



درباره زیبا حسیک و فلسفه هنر در سنت تحلیلی» به این نکته اشاره شده است که افلاطون بر آن بود که هنرمندان را باید از آرمان‌شهر بیرون انداخت. دلیل اصلی دشمنی افلاطون با هنر در این بود که ما را از شناخت راستین (که نزد افلاطون اندیشیدن درباره مثال‌های جاودان به‌جای تجربه‌های گذرا بود) باز می‌دارد و هنر به نحوی بازنمایی جهان‌پندار است و از آن‌رو که روگرفت روگرفت است، دو بار از حقیقت دورافتاده است.

همچنین در پشت جلد این کتاب آمده است: «از زمان افلاطون که شاعران را از آرمان‌شهر خود تبعید کرد، یکی از اصلی‌ترین اتهامات علیه هنر این بوده که به‌جای راهنمایی ما به سمت حقیقت و شناخت، ما را از آنها دور می‌کند. این اتهام هم جنبه شناختی و هم جنبه اخلاقی دارد.»

برخی از موضوعات کلیدی موردبحث در این کتاب عبارت است از:

رابطه بین هنر و حقیقت

نقش هنر در شناخت

ارزش اخلاقی هنر

ماهیت تقلید در هنر

جایگاه هنر در جامعه

این کتاب به مخاطب کمک می‌کند تا در مورد رابطه پیچیده بین هنر و واقعیت، ارزش هنر در زندگی بیشتر و با تأمل تری اندیشد.

این کتاب برای علاقه‌مندان به فلسفه هنر، دانشجویان رشته‌های فلسفه، هنر و ادبیات،

معتقدند که هنر می‌تواند به ما کمک کند تا دنیای اطراف خود را بهتر درک کنیم، تجربیات جدیدی داشته باشیم و با ارزش‌ها و باورهای خود ارتباط عمیق‌تری برقرار کنیم.»

کتاب «هنر، شناخت و ارزش؛ مقاله‌هایی درباره زیبا حسیک و فلسفه هنر در سنت تحلیلی» با موضوع زیبایی‌شناسی، هنر و فلسفه مطالبی را در شش فصل و دو بخش اعم از: بخش‌های هنر و شناخت و هنر و ارزش همچنین فصل‌هایی چون: درباره بی‌مایگی شناختی هنر، هنر و شناخت اخلاقی، ارزش‌های شناختی در هنرها؛ نشان‌گذاری کرانه‌ها پیتر لامارک، اصل‌ها، روگرفت‌ها و ارزش زیباحسیک، ارزش هنری مالکوم باد و در نهایت نقادی اخلاقی هنر بریس گاوت گردآوری شده است.

پوریا گل شناس مترجم این کتاب نوشته است: «ویژگی مقاله‌های گردآوری شده در این کتاب این است که نگرانه‌های گوناگون و متضاد با هم در نظریه‌های شناخت‌شناسی هنر و نظریه‌های ارزش هنر در آن‌ها به بحث گذاشته می‌شوند و این مجال برای خواننده فراهم می‌آید که با رویکردهای گوناگون در این حوزه آشنا شود.»

در مقدمه کتاب مترجم گفته است: «کتاب پیش رو برگردان فارسی شش مقاله از مجموعه‌ای است با عنوان زیباحسیک و فلسفه هنر در سنت تحلیلی و مقاله‌هایی که در این کتاب به فارسی ترجمه شده است.»

پوریا گل شناس مترجم این کتاب نوشته است: «ویژگی مقاله‌های گردآوری شده در این کتاب این است که نگرانه‌های گوناگون و متضاد با هم در نظریه‌های شناخت‌شناسی هنر و نظریه‌های ارزش هنر در آن‌ها به بحث گذاشته می‌شوند و این مجال برای خواننده فراهم می‌آید که با رویکردهای گوناگون در این حوزه آشنا شود.»

در کتاب «هنر، شناخت و ارزش؛ مقاله‌هایی

هنرمندان و خالقان آثار هنری و هر کسی که به دنبال درک عمیق‌تر رابطه بین هنر و زندگی است مؤثر و مناسب است.

کتاب «هنر، شناخت و ارزش؛ مقاله‌هایی درباره زیبا حسیک و فلسفه هنر در سنت تحلیلی» نوشته پیتر لامارک، جروم استول نیتز، سینتیا ای. فری لند، جک دلبلیو، مایلند، مالکوم باد و بریس گاوت و ترجمه پوریا گل شناس در نوبت اول با ۲۱۶ صفحه در ۵۰۰ نسخه به قیمت ۲۲۵ هزار تومان به همت انتشارات سوره مهر به‌تازگی منتشر شده است





آن خط سوم

شفافیت دیجیتال چگونه ممکن می‌شود؟

کیارش شیخ الاسلام

کلی‌تر، این گرایش فکری عصر روشنگری که می‌گفت انباشتن داده‌ها و دسترسی راحت‌تر به آن‌ها سبب ازدیاد دانش و آگاهی می‌شود اینک سوبه تارک خود را به نمایش گذاشته است: هجده انبوه داده‌ها خستگی، انفعال، و سرگشتگی از پی می‌آورد؛ قوه توجه و تمرکز را از کار می‌اندازد؛ و فرصت تحلیل و تفسیر دقیق و متناسب را سلب می‌کند. وضعیت شفافیت دیجیتال را می‌توان در بیانی تمثیلی، همچون نگاه کردن مستقیم به خورشید قلمداد کرد: گرچه وجود نور مقدمه لازم برای مشاهده اشیا است، خیره شدن به هجده پرتوهای خورشیدی به کوری موقت یا حتی دائمی منجر خواهد شد.

مواجهه مکانیکی با تحولی تمدنی

با توجه به آنچه تاکنون بیان شد، لزوم حکمرانی بر فضای سایبری و فرآیندهای دیجیتالی شدن جای چون‌وچرا ندارد. تجربه جهان معاصر نیز نشان می‌دهد که امروزه هیچ دولتی نسبت به شیوه مواجهه و تعامل شهروندان با فضای سایبری به کلی بی‌تفاوت نیست. با این حال، در این مورد هم ضرب‌المثل «دشمن دانا بلندت می‌کند، بر زمین می‌زند نادان دوست» همچنان مصداق دارد. منظور این است که مواجهه نادرست با یک موقعیت مخاطره‌آفرین می‌تواند حکایت «قوز بالای قوز» باشد.

به‌منظور توضیح مطلب فوق، ابتدا باید ماهیت فضای سایبری و جنبش دیجیتالیسم را مدنظر قرار بدهیم. فارغ از اینکه این فضا و این جنبش چه تهدیدها و فرصت‌هایی به‌همراه می‌آورد، نمی‌توان انکار کرد که ظهور و گسترش امر سایبری گشاینده‌ای بی‌کرنی از امکانات است. اینکه امکانات سایبری بی‌خطر یا مخاطره‌برانگیز، یا حتی خوب یا بد باشند، تغییری در این حقیقت ایجاد نمی‌کند که امر سایبری ماهیتی افق‌گشا دارد. شاید این افق‌گشایی امکانات مهم‌ترین علتی باشد که امر سایبری را به پدیداری «تمدن‌ساز» بدل می‌کند. تمدن‌های نو در بستر امکانات نوین شکل می‌گیرند، هنگامی که امکانات نوظهور فعلیت‌های متفاوت و متمایز خود را در صورت‌های ساختاری و روندی مختلف حاصل می‌آورند.

بگذارید تعارف و رودربایستی را کنار بگذاریم: فیلترینگ! طی دهه‌های گذشته، این ملجأ نهایی تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در ایران ما بوده است. البته توجه داشته باشید که از «ملجأ نهایی» سخن می‌گویم. یعنی به زبان خودمانی، تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران «هر جا کم می‌آورند»، به این رویکرد متوسل می‌شوند. البته من از آن دست افرادی نیستم که نیمه‌پیر لیوان را نمی‌بینند، یعنی نمی‌خواهم منکر تلاش‌های شایسته تقدیری بشوم که دولت و ملت در راستای توسعه فضای سایبری و دیجیتالیسم، در کشور انجام داده‌اند. اما با کمال تأسف، باید اضافه کنم که عمق فکر و رویکرد ما نسبت به یک موضوع وقتی مشخص می‌شود که مجبور می‌شویم «راهل نهایی» خودمان را در مورد امور به نمایش بگذاریم و ناگزیرم اعتراف کنیم که راهل نهایی ما در مواجهه با فضای سایبری در همین یک کلمه خلاصه است: فیلترینگ.

اما فیلترینگ چیست؟ من این‌طور می‌فهمم: یک مواجهه مکانیکی-سلبی با پدیده‌های تمدنی-ایجابی؛ یک فروبستگی قسری در مواجهه با افق‌گشایی بی‌کرانه امکانات. آیا سرانجام این مواجهه روشن نیست؟ روشن نیست که در پایان این تقابل، روسیاهی به چه کسی می‌ماند؟

فیلترینگ چیست؟ من این‌طور می‌فهمم: یک مواجهه مکانیکی-سلبی با پدیده‌های تمدنی-ایجابی؛ یک فروبستگی قسری در مواجهه با افق‌گشایی بی‌کرانه امکانات. آیا سرانجام این مواجهه روشن نیست؟ پدیدارهای ناهنجار همزادها ناهنجار به‌همراه می‌آورند. در مورد خاص ما، رویکرد ناهنجار فیلترینگ همزادی ناهنجار دارد که مدام می‌گوید: «ولش کن!» حرف ناحساب این همزاد ناهنجار چیست؟ الغای حکمرانی یا مهم‌تر از آن: الغای عاملیت ملی. رویکرد «ولش کن» بر دو مقدمه پنهان مبتنی است: الف) من شیوه مواجهه تو را قبول ندارم، اما جایگزینی هم برایش متصور نیستم. و ب) نه تنها جایگزینی متصور نیستم، بلکه در فکر تمهید یک جایگزین هم بر نمی‌آیم. از همین‌جاست که راه سوم ضرورت می‌یابد.



مشکلات نظام سلامت ایران چیست؟

رضامرادی

دکتر رضا مرادی پژوهشگر حوزه سلامت و دکترای سیاست‌گذاری در این حوزه در مصاحبه با برنامه «گفتگوی اجتماعی» از رادیو گفت و گو در مورد نظام سلامت در ایران بیان داشت: نظام سلامت شامل همه سازمانها، گروه‌ها و افرادی است که سیاست‌گذاری، تامین مالی، تولید منابع و ارائه خدمات سلامت را با هدف تامین، حفظ، ارتقای سلامتی، پاسخگویی به انتظارات مردم و حمایت مالی از آنها در مقابل هزینه‌های سلامت بر عهده دارند. در واقع براساس مدل ارائه شده توسط سازمان جهانی بهداشت ۴ کارکرد سیاست‌گذاری، تامین مالی، تولید منابع و ارائه خدمات سلامت برای نظام سلامت در نظر گرفته شده است.

وی سلامت را مقوله‌ای چند بعدی دانست و گفت: اگر وزارت بهداشت با تمام توان به این حوزه ورود داشته باشد تنها در ۲۰ تا ۳۰ درصد سلامت مردم نقش دارد و عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بیشترین نقش را در این حوزه دارند. لذا باید مشارکت بین بخشی مهمترین و اصلی ترین وظیفه وزارت بهداشت باشد اما متأسفانه در این بخش بسیار ضعیف عمل شده و کار جدی صورت نگرفته است.

این پژوهشگر حوزه سلامت با اشاره به برگزاری آخرین جلسه شورای عالی سلامت در اسفند ماه سال گذشته اظهار کرد: تامین مالی ناپایدار در نظام سلامت دیگر مشکل این حوزه است و مشکلاتی از قبیل پرداخت از جیب بالا، سیستم بیمه‌ای ضعیف، تخصیص و استفاده نامناسب از منابع وجود دارد. این در حالی است که روشهای خلاقانه‌ای بسیاری برای حل آن وجود دارد که از جمله آنها روشهای بازپرداخت مبتنی بر عملکرد، کاهش هزینه‌های سلامت و تجمیع صندوقهای بیمه است. همچنین سهم پایین سلامت از GDP مشکل دیگر نظام سلامت است و براساس مطالعات انجام شده شاخص سهم سلامت از GDP در سال ۱۴۰۰، حدود ۵ درصد بوده و براساس آخرین آمار بانک جهانی در سال ۲۰۲۱، سهم سلامت از GDP در ایران ۷۷/۵ درصد بوده است و براساس برخی مطالعات در سال ۱۴۰۲ این سهم به ۵/۴ درصد رسیده که تقریباً در طول یک دهه نصف شده است.

مرادی در رادیو گفت و گو با اشاره به اصل ۲۹ قانون مبنی بر عدم واگذاری حوزه سلامت به بخش خصوصی خاطرنشان کرد: هیچ کشور پیشرویی در سیستم بهداشت و درمان در جهان ارائه خدمات را به بخش خصوصی واگذار نکرده است.

بالا بودن پرداخت مستقیم از جیب دیگر مشکل نظام سلامت است و در ایران بیش از ۲ برابر میانگین جهانی در سال ۲۰۲۱ است. در حالیکه در اسناد بالادستی ۳۰ درصد برای پرداخت مستقیم هدف گذاری شده و دولت باید توجه جدی نسبت به آن داشته باشد. عدم دسترسی مناسب به امکانات و خدمات تخصصی مشکل بعدی این نظام است که موجب کاهش بهره‌وری و غیبت از کار می‌شود. لذا دولت چهاردهم باید با رویکرد تبعیض مثبت جهت محرومیت زدایی مناطق محروم اقدامات اساسی و فوری را در دستور کار قرار دهد.

این دکترای سیاست‌گذاری تله‌مدیسین را تکنولوژی خوبی دانست و گفت: خودکشی پرستاران در سالهای گذشته به چشم می‌خورد که مهمترین عامل بازدارنده آن توجه به معیشت و مسائل مالی آنهاست. در دولت سیزدهم طرح فوق‌العاده خاص پرسنل حوزه بهداشت و درمان در نظر گرفته شد که براساس آن حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان منابع برای آن در نظر گرفته شده است. برای کادر بهداشت و درمان حدود ۴۰ درصد حق شغل و شاغل و افراد غیر حدود ۳۰ درصد به صورت ترمیم حقوق دریافت خواهند کرد.

پیش‌پس سوی شفافیت هوشمند!

در مواجهه با یک تحول تمدنی عظیم، پاسخ یا راهکاری که ارائه می‌شود باید متناسب، یعنی تمدنی و تمدن‌ساز باشد. به دیگر بیان، هنگامی که با افق‌گشودهای از امکانات بی‌کران روبرو می‌شویم، نه روی گردانی چاره کار ماست و نه دست کشیدن و بر جا نشستن. در لحظه این روبرویی باید امکان امکان‌ها را فعال کنیم، یعنی همان قوه‌ای را که فعلیت‌بخش است.

اگر بخواهیم این قلمبه‌گویی انتزاعی و فلسفی را به زبانی توضیح بدهیم که با مسئله خاص ما مرتبط باشد، می‌توانیم این‌طور مدعی بشوم: چاره کار ما در هوشمندسازی است. از یکسو، انبوه داده‌ها نیازمند یک دروازه‌بان است؛ از سوی دیگر، کاربر سرگشته نیاز به راهبری دارد. به جای اینکه امکانات را از خودمان سلب کنیم یا بی‌میلانی، «هرچه پیش آید، خوش آید» بگوییم، باید آستین‌ها را بالا بزنیم و دست‌به‌کار شویم. ما نیازمند یک هوش راهبر هستیم: الگوریتمی که با همفکری ما ساخته شود؛ برآیندی از دغدغه‌های مشترک ما باشد؛ و بتواند دولت و ملت‌مان را در مسیر آینده‌های دشوار و پرخطر راهبری کند.

بازار بازی‌های رایانه‌ای ملی توان رقابت با خارجی‌ها را ندارد

آرین طاهری



این که کدام یک از دولت‌ها مقید به این تنظیم‌گری بوده‌اند، خاطر نشان کرد: مداخله در تنظیم‌گری باید وجود داشته باشد ولی مشکل ما ورود دستگاه‌های دولتی به حوزه اجرائی است.

وی افزود: تغییر اساسنامه بنیاد به معنای تولید و توزیع سرگرمی و بازی نیست و این مسئله در حوزه اتاق‌های فرار نیز اتفاق افتاده و بحث بر سر این است که چه نهادی باید بر طراحی و اجرای این بازی‌ها نظارت داشته باشد!

طاهری اضافه کرد: بازی‌های به روز و جهانی در اختیار ماست ولی بازار مشخصی برای آن طراحی نشده و با یک کلیک قابل دانلود است و بازی‌های ملی هیچ امکان رقابتی با آن‌ها ندارند.

وی افزود: دولت هرچه در حوزه تنظیم‌گری ورود کند، باز هم کم است چون یکسری ضوابط و قوانین در حوزه تنظیم‌گری نیاز است اما بخش خصوصی تمایلی برای ورود به این

انگلیسی‌ها ضرب‌المثلی دارند که می‌گوید «شیطان در جزئیات لانه می‌کند». البته این ضرب‌المثل نه به‌سبب «خارجی» بودنش، بلکه به علت مرتبط بودنش با موضوع این نوشته بود که به ذهنم خطور کرد. لانه کردن شیطان در جزئیات به دو معنا با موضوع شفافیت نسبت پیدا می‌کند. اول اینکه چون شیطان در جزئیات لانه می‌کند، باید بر تمام پشت‌وپسله‌های ریزودرشت نور بتابانیم و آنها را شفاف کنیم تا شیطان نتواند خودش را در هر گوشه‌کناری مخفی کند و از همان‌جا کارش را پیش ببرد. اما شیطان زرنگ‌تر از این حرف‌هاست و در نسبت با همین موضوع شفافیت هم ممکن است فریب‌مان بدهد. این‌جاست که معنای دوم لانه کردن شیطان در جزئیات و ایده شفافیت خودش را نشان می‌دهد. توضیح آنکه شفافیت، خودش یک ایده بسیار کلان و گسترده است که ابعاد بسیار با همان پشت‌وپسله‌های ریزودرشت فراوانی دارد. یکی از ابعاد مهم ایده شفافیت مسئله شفافیت دیجیتال است که با قرار گرفتن در آستانه عصر سایبری، اهمیت دوچندانی پیدا کرده است. در اینجا قصد دارم همین مسئله شفافیت دیجیتالی را اندکی بررسی کنم و ببینم شیاطین در اینجا هم حضور دارند یا نه.

دیجیتالیسم و انباشت داده‌ها

در جامعه‌ای که از منظرهای مختلف دچار عدم‌شفافیت و در نتیجه، گرفتار مسئولیت‌گریزی‌های بسیار است، چون‌وچرا کردن درباب فضیلت شفافیت غوغا و هیاهوی بسیار در پی خواهد داشت. بنابراین، باید محتاطانه قدم پیش نهاد و از انبوه سوءتفاهم‌های بر سر راه احتراز کرد. شک نیست که در راستای بهینه‌سازی روندها و فرآیندهای اجتماعی، شفافیت یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. به این معنا، اگر نظارت‌های تخصصی و عمومی در یک جامعه مورد توجه نباشند یا تضعیف شوند، تمامی حوزه‌های حیات اجتماعی از جمله اقتصاد، فرهنگ، سیاست، محیط زیست و... دیر یا زود با بحران‌های جدی و حتی ابربحران‌هایی مواجه خواهند شد که اساس موجودیت یک جامعه را به خطر خواهند انداخت.

علی‌رغم آنچه بیان شد، می‌خواهم به خودم جسارت بدهم و مدعی شوم که شفافیت (همچون هر ایده دیگری) می‌تواند به ضد خودش بدل شود. برای اینکه منظورم را در مورد خاص شفافیت شفاف کنم، باید به این نکته بسیار مهم توجه بدهم که تحقق شفافیت در هر زمینه‌ای، مبتنی بر سه مقدمه ضروری است:

- ۱- دسترسی به داده‌های مورد نیاز،
- ۲- توجه کافی به داده‌ها و متمرکز شدن بر آن‌ها،
- ۳- پردازش صحیح و دقیق داده‌ها و دست‌یابی به اطلاعات.

تمایز میان «داده» و «اطلاعات»، تمایزی که به‌نظر بسیار ساده می‌رسد، نکته‌ای است که معمولاً به آن توجه نمی‌کنیم و در نتیجه، در نمی‌یابیم که چگونه با پیگیری دغدغه شفافیت ممکن است تحقق شفافیت را دچار اخلاص کنیم.

آنچه فضای سایبری و فرآیندهای دیجیتالی شدن پیش روی مخاطب یا کاربر می‌گذراند انبوه بی‌سروته و در عین حال، مسطحی از داده‌هاست. به دیگر بیان، دیجیتالیسم با حاد کردن مقدمه اول از میان سه مقدمه پیش‌گفته، روند تحقق مقدمات دوم و سوم را با اخلاص جدی مواجه کرده است. این حقیقت سبب شده تا در زمانه ما، سخن از پدیده‌هایی همچون «آلودگی اطلاعات» و «بحران توجه فراوان» باشد. از منظری

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیکست و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۲۴۱۳۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸
نشانی: بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



عطرآلود مرگ آمیزی یک رویا

«عطرآلود» از آن دسته فیلم‌هایی است که هرکس به‌رهی خود را از آن می‌گیرد. عطرآلود می‌تواند هم جوابگوی مخاطبی باشد که دنبال قصه‌ی عاشقانه‌است، هم مخاطبی که در جستجوی محتوای دینی است و هم پاسخگوی مخاطبی که علاقه‌مند به مسائل اجتماعی روز است.

۱

بازار بازی‌های رایانه‌ای ملی توان رقابت با خارجی‌ها را ندارد

بازی‌های به روز و جهانی در اختیار ماست ولی بازار مشخصی برای آن طراحی نشده و با یک کلیک قابل دانلود است و بازی‌های ملی هیچ امکان رقابتی با آن‌ها ندارند.

۷



دینی جز اسلام را انتخاب نکن...

که پذیرفته نشده و در قیامت از زبان کاران خواهی شد

(سوره آل عمران، آیه ۸۵)

کتاب «المپیک زرد» رونمایی می‌شود

■ در آستانه افتتاح بازی‌های المپیک پاریس ۲۰۲۴ از کتاب «المپیک زرد» رونمایی می‌شود



بررسی تغییرات و روندهای مدرنیته صنعتی و آثار فرهنگی اجتماعی آن بر مردم جوامع مختلف محسوب می‌شود. کتاب «المپیک زرد» با بررسی دقیق و همه جانبه ابعاد فرهنگی و اجتماعی بازی‌های المپیک توکیو ۲۰۲۰، به دنبال رونمایی از این رویکردها و تحولات نوین است و در بطن این موشکافی، تلاش ژاپن برای برگزاری یک رویداد بزرگ، آن هم در شرایط سخت همه گیری کرونا را توصیف و تحلیل می‌کند. این کتاب حاوی نکاتی است که ذهن انسان ایرانی تا کنون هرگز از این منظر به ادوار مختلف بازی‌های المپیک نگاه نکرده است. امری که نیازمند تبیین دقیق تر برای همگان و بویژه مدیران و سیاستگذاران کشور است، تا با نگاهی بازتر به این رویداد، به مثابه فرزند خلف مدرنیته فکر کنند و ببینند، و اگر مجالی بود خود را برای مواجهه با آینده متفاوت آن آماده سازند.

شایان ذکر است؛ آیین رونمایی از این کتاب روز پنجشنبه چهارم مردادماه برگزار خواهد شد.

کتاب «المپیک زرد» اثری تحلیلی انتقادی در خصوص بازی‌های المپیک است که توسط رضا شجاع و کاوه صدقی به رشته تحریر درآمده و از سوی انتشارات ثالث منتشر شده است.

کتاب «المپیک زرد» اثری تحلیلی در خصوص بازی‌های المپیک است که در کنار توجه به ابعاد مختلف بازی‌های المپیک توکیو، نسبت به تحلیل انتقادی بازی‌های المپیک طی ادوار مختلف اقدام کرده است.

این کتاب داری ۹ فصل است که مفاهیمی چون المپیک رادیواکتیو، المپیک سیاست زده، المپیک فیل‌های سفید، المپیک کارگران فراموش شده، المپیک سبز؟، المپیک جنسیت زده، المپیک اعتراض و المپیک آینده عنوانین ۹ فصل این کتاب محسوب می‌شوند.

در بخش‌هایی از مقدمه این کتاب که توسط رضا شجاع از مدیران و نخبگان علمی ورزش کشور و همچنین کاوه صدقی کارآفرین و رئیس انجمن هاکی روی یخ کشور نوشته شده چنین آمده است:

المپیک دارای ریشه‌ای عمیق در نظام صنعتی مدرن است و مبنای شکل‌گیری آن را می‌توان در عقلانیت ابزاری جستجو کرد. بر این اساس هر اندازه که مدرنیته و تغییرات آن برای ما جذاب است، المپیک هم از این قاعده مستثنی نیست و اتفاقاً مطالعه بازی‌های المپیک، میانبری ساده‌تر برای

جوانان فرنگی کارایران قهرمان آسیا شدند



● تیم ملی کشتی فرنگی جوانان ایران با کسب ۶ مدال طلا، ۱ مدال نقره و ۲ مدال برنز مقتدرانه عنوان قهرمانی آسیا را از آن خود کرد.

● در رده بندی تیمی، ایران با ۲۰۶ امتیاز به عنوان قهرمانی دست یافت و تیم‌های قزاقستان با ۱۸۵ و قرقیزستان با ۱۴۱ امتیاز دوم و سوم شدند.

به اندازه سقف قراردادها فوتبال رشد نکرده



● درویش نشست با کارگروه نقل و انتقالات: یکی دو باشگاه درخواست بالا بردن سقف قراردادها را داشتند. اگر قرار بود این اتفاق بیفتد باشگاه پرسپولیس بیشترین آسیب را می‌دید. خوشبختانه ریاست فدراسیون و نواب رئیس با احقاق حق به پرسپولیس موافقت کردند.

● من به عنوان مخالف گفتم سقف قراردادها اگر پایین بیاید بهتر است چون فوتبال ما در مقابل اعداد قراردادها رشد نکرده است.

● اگر همین امروز سقف را ۷۰۰ میلیارد تومان اعلام کنند باز هم می‌گویند بیشترش کنید! چون قیمت‌ها بدون حد افزایش پیدا کرده و فوتبال ما آن قدر رشد پیدا نکرده است.

«کشک» علی پروین اینجاست

فریدون حسن



فرکی فعالیت کرده است. در اینکه احمد خداداد برای فوتبال کشور زحمت زیادی کشیده هیچ شکی نیست، اما در اینکه آیا او در این سن و سال می‌تواند کمکی به فوتبال کند، سؤال‌های زیادی وجود دارد.

حالا در نظر بگیرید که قرار است به این افراد یک پیشکسوت دیگر، یک خانم و یک نماینده از فوتبال ساحلی هم اضافه شود تا جمع هفت نفره کامل شود. حضور یک خانم را می‌توان توجیه کرد، اما یک پیشکسوت دیگر چرا، مگر خداداد پیشکسوت نیست و اینکه چرا نباید فوتسال نماینده داشته باشد! این پازل نامتقارن را جلوی خود بگذارید تا مثل ما به این باور برسید کشکی که علی پروین می‌گفت، همین جاست.

انتخاب‌ها رسیده باشد که باید در انتخاب و انتصاب خودش هم شک کرد و اگر اهرم فشاری وجود داشته باشد که دیگر جای بحثی باقی نمی‌ماند.

برای روشن‌تر شدن موضوع بد نیست نگاهی به سوابق این دو عضو کمیته فنی فدراسیون فوتبال داشته باشیم؛ محمود شعیبی، مدیرعامل سابق باشگاه پیکان و نماینده باشگاه‌ها در هیئت رئیسه فدراسیون بود که طی پنج سال از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۹ هیچ اقدام قابل توجهی انجام نداد و نمونه بارز مدیری بود که فضا را اشغال کرد تا فرد شایسته‌تری این جایگاه را تصاحب نکند. البته جناب شعیبی در انداختن تقصیر کم‌کاری‌های خود به گردن دیگران هم تبحر خاصی دارد که نمونه آن را می‌توان در ماجرای «ویلیموتس‌گیت» مشاهده کرد، جایی که در پاسخ به رسانه‌ها تمام تقصیرها را به گردن مهدی تاج انداخت. صرف‌نظر از تمام اینها، یکی پاسخ دهد که حضور یک مدیرعامل امتحان‌پس‌داده در کمیته فنی فدراسیون فوتبال چه توجیهی می‌تواند داشته باشد؟

احمد خداداد دیگر عضو کمیته فنی است که برای فهمیدن سوابقش باید بیش از نیم قرن به عقب برگردیم. او متولد ۲۷ فروردین ۱۳۲۵ است. فوتبانش در مجموعه تاریخی کیان سپری شد و خیلی زود مربیگری را آغاز کرد. در ۲۸ سالگی سرمربی هما در لیگ تخت جمشید شد تا جوان‌ترین سرمربی تاریخ لیگ در ایران باشد. احمد خداداد بیشترین دوران حضور به عنوان سرمربی تیم ملی دانشجویان را دارد. او در سال ۱۳۶۱ سرمربی تیم ملی بزرگسالان شد و سرمربی تیم‌های بنیاد شهید، هما، پورا و کاوه هم بود. همچنین در تیم‌های نفت، فولاد و سپاهان در کنار حسین

این روزها فدراسیون فاسد فوتبال با شلوغ‌بازی عجیب و غریبی پیش از آغاز لیگ برتر خود را فعال نشان می‌دهد و بی‌خیال تمام قانون‌گریزی‌های تیم‌های لیگ برتری، به‌خصوص در اجرای سقف قرارداد، فقط جلسات پرطمطراق و پرسروصدا برگزار می‌کند. شنیدن خبر عضویت امیر قلعه‌نویی، سرمربی تیم ملی فوتبال در کمیته فنی فدراسیون بسیار جالب توجه بود.

اشتباه نکنید امیر قلعه‌نویی به عنوان سرمربی تیم ملی باید در این کمیته عضویت داشته باشد، نکته جالب توجه اعضای این کمیته هستند که البته هنوز به هفت نفر نرسیده‌اند، اما وقتی نگاهی به اسامی آن‌ها می‌اندازیم، متوجه می‌شویم که چرا روزی، روزگاری علی پروین عنوان کرد کمیته فنی یعنی «کشک».

مجید جلالی ریاست این کمیته را برعهده دارد. کمیته‌ای که نزدیک به پنج ماه از زمان تشکیل آن می‌گذرد. در اینکه انتخاب مجید جلالی برای این سمت انتخاب درستی بوده یا نه، طبعاً نیازمند زمان است تا ببینیم کارکرد این کمیته و افراد حاضر در آن چه دستاوردی برای فوتبال ایران دارد، ولی وقتی انتخاب اعضای این کمیته را مشاهده می‌کنیم به این باور می‌رسیم که این کمیته همان کشک معروف خودمان است. البته در این میان یک سؤال مطرح می‌شود؛ اینکه مجید جلالی خودش اعضا را انتخاب و معرفی می‌کند یا اینکه اهرم فشاری وجود دارد و به او اجبار می‌کنند که مثلاً محمود شعیبی و احمد خداداد را به عضویت کمیته فنی فدراسیون فوتبال درآورد؟! در هر دو صورت فاجعه در حال رقم خوردن است، چون اگر خود جلالی به این